

تئوری اصلاحات سازگار در اقتصاد ایران

(مطالعه موردی تاریخ اقتصاد ایران)

دکتر یدا... دادگر^۱

چکیده

این مقاله در صدد است تحقق و کارکرد مجموعه عناصری در اقتصاد ایران را ضامن اصلاحات و پیشرفت آن اقتصاد معرفی نماید. ضمناً اجرای این تئوری با توجه به شرائط خاص اقتصاد ایران جنبهٔ مقدماتی و زمینه‌سازی دارد و اجرای آن برای فراهم کردن تئوری‌های عملیاتی بعدی حیاتی است. در بخش اول که به طرح موضوع اختصاص دارد به ابعاد عمومی تئوری مربوطه اشاره می‌شود. در بخشهای بعدی با کمک داده‌های مربوط به تاریخ اقتصاد ایران، فرضیه‌های تئوری یاد شده، مورد بررسی واقع می‌شوند. سرانجام علل شکست تئوری تعدیل ساختاری در اقتصاد ایران در قالب جمع‌بندی پایانی ارائه خواهد شد.

۱- معرفی عناصر اولیه و طرح موضوع

وظیفه این بخش شناسایی ابعاد اصلی و معرفی عناصر کلیدی تئوری اصلاحات می‌باشد. ابتدا پیش فرض‌های کلی مربوط به آن ذکر خواهد شد. سپس تعریف اصلاحات اقتصادی از سوی مؤلف بیان می‌شود. ذکر مؤلفه‌های اصلی تئوری اصلاحات سازگار، مطالب تحت عنوان بعدی را می‌پوشاند. ویژگی‌های کلیدی تئوری مذکور و ذکر مفهوم سازگاری به دنبال خواهد آمد. اشاره به فرضیات یا شبه فرضیات تئوری، نحوهٔ آزمون آنها، محدودیتها و ملاحظات مرتبط با آنها و سرانجام ذکر چارچوب ادامهٔ مقاله، بحثهای بعدی این بخش را تشکیل می‌دهد.

۱-۱- پیش فرضهای اولیه، تعریف اصلاحات اقتصادی

یک پیش فرض ما در این مقاله این است که کارکرد حکومت‌ها و احزاب سیاسی بدون داشتن یک بدنهٔ تئوریک مناسب از اصلاحات و توسعه اقتصادی نمی‌تواند ضامن حفاظت از اقتدار حقیقی و مشروعیت بلندمدت آنها باشد. لذا حاکمان و مجریان کشورها و همچنین سران احزاب سیاسی، می‌باید به وجود و کارسازی تئوری اصلاحات اقتصادی باور داشته باشند. به عقیدهٔ ما یک منشأ اساسی عدم موفقیت دولت اصلاحات (دولت آقای خاتمی) در بعد اقتصادی، نداشتن تئوری اصلاحات سازگار بوده است.

۱. استادیار دانشگاه مفید.

البته این تئوری جنبه مقدماتی داشته و می‌تواند زمینه‌ساز استخراج تئوری‌های عملیاتی پس از آن گردد. پیش فرض دیگر ما این است که اصلاحات و توسعه اقتصادی یک فرایند خطی و با ابعاد جهان شمول نبوده، بلکه از یک طرف از پیچیدگی‌های مخصوص به خود برخوردار است و با عوامل و عناصر مختلف و فراوانی پیوند دارد و از طرف دیگر در شرایط مختلف، عناصر متفاوتی بر آن تأثیر می‌گذارند و یا از آن تأثیر می‌پذیرند. لذا یک تئوری جامع اصلاحات، می‌باید توجه به ابعاد فوق را به عنوان یک امر محوری تلقی کند. حال با توجه به پیش‌فرضهای فوق به تعریف خود از اصلاحات اقتصادی مبادرت می‌ورزیم. به عقیده ما اصلاحات اقتصادی، فرایندی از مجموعه تدابیر، خط‌مشی‌ها و تحولات اقتصادی و عناصر تأثیرگذار بر آن از عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد که برآیند همه آنها به بهبود در تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و اجرا در اقتصاد کشور منجر شود؛ زیرا پیشرفت اقتصادی، خود فرایندی اجتماعی بوده که ملازمات بین رشته‌ای وسیعی دارد.

به تعبیر اقتصاددان برجسته پرفسور هایک برای پاسخ‌گویی به مسائل کلیدی اقتصادی، تکیه بر تئوری اقتصادی لازم است، اما کافی نیست. وی همچنین ادامه می‌دهد که اصولاً در عرصه‌های علوم اجتماعی به ندرت می‌توان یک مسأله مشخص پیدا کرد که بتوان آن را تنها بر مبنای یک رشته خاص پاسخ داد. کلیه مسائل اساسی در اقتصاد نه تنها با علوم سیاسی، حقوق، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و البته تاریخ مرتبط هستند؛ بلکه حتی بیشتر از همه با فلسفه تماس می‌یابند.^۲ بدیهی است انجام اصلاحات و ایجاد بهبود و پیشرفت اقتصادی، یکی از این گونه مسائل و موضوعات فرا اقتصادی و بین رشته‌ای است.

۱-۲- چارچوب تئوری اصلاحات سازگار، مؤلفه‌ها و خصوصیات مربوطه

تئوری اصلاحات سازگار در اقتصاد ایران به نظر ما مجموعه گزاره‌هایی است که سه مؤلفه اصلی دارد و سه خصوصیت کلیدی مفاد سازگاری مربوط به آن را پوشش می‌دهد. مؤلفه‌های اصلی عبارتند از: ۱- چارچوبهای فرهنگی - حقوقی سازگار

۲- وجود بخش عمومی و بخش خصوصی سازگار

۳- اعمال مدیریت اقتصادی و حاکمیت سیاسی سازگار.

همچنین خصوصیات کلیدی که بر مفهوم سازگاری دلالت می‌کند، عبارتند از:

۱- تعادل و هماهنگی

۲- تدریجی بودن و دائمی بودن

۳- نقدپذیری، محدودیت و پویایی.

به عبارت دیگر بر طبق این تئوری، اصلاحات اساسی و کارساز زمانی در اقتصاد ایران به اجرا درمی‌آید که اولاً زیرساخت فرهنگی شفاف و تعریف شده‌ای در جامعه جاری باشد و به همراه آن قوانین

۱. طرح این موضوع از سوی پرفسور فون هایک که از معروف‌ترین اقتصاددانان لیبرال و از نوکلاسیکهای برجسته می‌باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است (مراجعه شود به یاد... دادگر، گزارش تحلیلی از پیوند دین و اقتصاد مجموعه مقالات نشست تخصصی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس).

روشنی وظایف افراد و سازمانها را مشخص کند. ثانیاً جایگاه بخش عمومی و بخش خصوصی از نظر تمرکز و تخصیص منابع، تمرکز و عدم تمرکز و موارد مشابه کاملاً واضح باشد. و بخش عمومی از حالت ملوک الطوائفی خارج شده، تنها یک بخش عمومی منحصر به فرد وجود داشته باشد. ثالثاً مدیرانی شایسته اقتصاد را اداره کنند و حاکمانی با تدبیر، هدایت ملک و ملت را عهده‌دار شوند.^۳ همچنین برای آنکه عنصر سازگاری معنی‌دار شود می‌باید اولاً از مواضع افراط و تفریط در اندیشه‌ها و رفتارها پرهیز شود، ثانیاً اصلاحات امری آرام و تدریجی و در عین حال همگانی تلقی شود و ثالثاً قابلیت نقد پذیری در سیستم وجود داشته و زمینه انتقال و تغییر (و یا انتخاب مجدد) برای مدیران و حاکمان فراهم شود.^۴

۱-۳- پشته‌واره علمی نظریه اصلاحات سازگار

تئوری اصلاحات سازگار از مبانی منطقی و عقلی کافی برخوردار است و عرصه‌های تاریخی و تجربی نیز از آن حمایت می‌کنند. بدیهی است افراد و گروههایی که از اندیشه فرهنگی و قانونی سازگار برخوردار باشند (با التزام به مفاد سازگاری) از یک سو راه افراط و تفریط نمی‌پیمایند و رفتار و اندیشه متعادلی خواهند داشت. از سوی دیگر همگی حقوق خود را می‌شناسند و با توجه به آن، عمل می‌کنند. سرانجام وجود عناصر نقد و پویایی زمینه نوعی نظارت دائمی مردم بر مسئولان را فراهم می‌آورد. و عنصر محدودیت زمانی، زمینه قضاوت قانونی و اجرایی مجدد مردم نسبت به کارکرد حاکمان را آماده می‌نماید. مردم در انتخابات بعدی تنها در صورتی حاکمان قبلی را برمی‌گزینند که کارکرد آنها ضامن عزت و پیشرفت و رفاه آنان بوده باشد و در غیر این صورت گروه دیگری را برمی‌گزینند. در صورت التزام به عناصر اصلی و لوازم تئوری اصلاحات سازگار، هم قانون حاکم است و هم اخلاق و فرهنگ و اندیشه دینی در جامعه رایج است و هم اقتصاد رو به رشد است و زمینه تحقق رفاه مورد نیاز همه فراهم است. هم نظارت وجود دارد و هم مردم و دولت رفتاری مسالمت آمیز بر مبنای اعتماد و هماهنگی و احترام متقابل و بر اساس انجام وظایف قانونی، خواهند داشت. در این صورت ضمن آنکه نوعی اندیشه دینی مورد احترام و اجرا می‌باشد، اما قدرتهای دنیایی عمر محدودی دارند و هیچ فرد و یا گروهی سیطره دائم بر مردم ندارد، بلکه بجای آن یک مجموعه قواعد و قوانین (شرعی و حکومتی) بر مبنای قراردادها و اصول دینی و عقلانی حاکمیت خواهند داشت.

۱. برای درک مناسب‌تر عناصر تئوری اصلاحات، می‌توان برای آن نوعی الگوی ریاضی ساده را شبیه‌سازی کرد. اگر اصلاحات سازگار را با D_c (Consistent Development)، چارچوب قانونی فرهنگی و سازگار را با LC_c (Consistent Law and Culture)، بخش عمومی و خصوصی سازگار را با PP_c (Consistent Public and Private sector) و مدیریت و حاکمیت سازگار را با MS_c (Consistent Management and State) نشان دهیم، خواهیم داشت:

$$D_c = f(LC_c, PP_c, MS_c)$$

۲. همچنین در صورتی که سازگاری را در یک مفاد کلی با C و تعادل و هماهنگی را با EH (Equilibrium and Harmony)، تدریجی و دائمی بودن را با EP (Evolutionary and Permanent) و محدودیت، نقدپذیری و پویایی را با LD (Limiting and Dynamism) نشان دهیم، خواهیم داشت: $C = f(EH, EP, LD)$

داشت. همچنین در صورت اجرای الگوی مذکور با وجودی که شایسته‌ترین مدیران، اجرای امور را در دست دارند، در عین حال مردم ناظر بر کارکرد آنان هستند.

اصلاحات سازگار فرایندی دائمی و تدریجی است و امری مقطعی و انقلابی (که یکبار آغاز شود و یکبار به پایان رسد) نمی‌باشد. در ادبیات دینی و تاریخی نیز رفتار اصلاحی و تلاش برای استقرار حق و صلح و رفاه، امری دائمی تلقی شده است. در تعبیر پیامبر و امامان، واژه اصلاح معمولاً به همراه و یا در قالب سیره (به معنای مشی مداوم) و همچنین در کنار عناصری مثل امر به معروف و نهی از منکر (که از یک حرکت آرام و همیشگی برخوردارند) مطرح شده است.^۵ یاران پیامبر نیز مبارزه با انواع فساد و انجام اصلاحات را امری دائمی تلقی کرده‌اند.^۶

ضمناً اصلاح در اینجا مفهومی فراتر و عمیق‌تر از واژه انگلیسی معادل آن یعنی «رفرم»^۷ دارد. واژه اخیر تنها اصلاحات جزئی و روبنایی را شامل می‌شود و به دنبال تحول اساسی نمی‌باشد. اما واژه اصلاح در این نوشته فرایندی بنیانی است.

تذکر پایانی اینکه اجرای «تئوری اصلاحات سازگار» می‌تواند زمینه اجرای تئوری‌های عملیاتی فراوانی را در اقتصاد ایران فراهم نماید. اصولاً بهترین تئوری‌های عملیاتی زمانی که با ساختار ناکارآمد و بستر غیر آماده مواجه شوند، کار به جایی نخواهند برد. وظیفه اجرای تئوری اصلاحات سازگار، عمدتاً بسترسازی است. به نظر ما تا این بسترسازی در اقتصاد ایران صورت نگیرد، هیچ پیشرفت اساسی در این اقتصاد صورت نخواهد گرفت. همانطور که در بخشهای اصلی مقاله ملاحظه خواهد شد، تاریخ اقتصاد ایران نیز شاهد مناسبی برای موفقیت یا عدم موفقیت کارکرد این تئوری - و یا تئوری مشابه آن - خواهد بود.

۱-۴- شبه فرضیات تئوری و معرفی عناوین بعدی مقاله

ذکر دو نکته مقدماتی را در اینجا لازم می‌دانیم. یکی این است که اگر تمامی شرایط اجرای تئوری فراهم شود، به اصلاحات مطلوب در اقتصاد ایران نایل خواهیم آمد؛ ولی در عین حال هر مقدار از شرایط فراهم گردد، منافع مرتبط به خود را خواهد داشت؛ اما اصطلاحاً به بهینه اول نخواهیم رسید؛ بلکه ابعادی از بهینه‌های دوم و پس از آن حاصل خواهد شد. دوم اینکه در این مقاله، تاریخ اقتصاد ایران به عنوان یکی از شواهد تأیید تئوری اصلاحات، به کار می‌رود، اما این امر به معنای جهت‌گیری تاریخی تئوری مورد نظر نمی‌باشد. شواهد علمی و تجربی مستقل از تاریخ نیز می‌تواند به تأیید این تئوری کمک نماید. در عین حال

۱. حتی در تعبیر تاریخی مربوط به اصلاح، حضرت امام حسین (ع)، هدف از حرکت سرنوشت‌ساز خود را چنین بیان کرده است: ... اما خرجت لطلب اصلاح فی امه جدی (ص)، ارید ان آمر بالمعروف و انھی عن المنکر و اسیر بسیره جدی... (مراجعه شود به ابی المؤید خوارزم، مقتل الحسین، منشورات المفید ج ۱ ص ۱۸۹).

۲. تعبیر تداوم مبارزه تا روز مرگ در کلام برخی از اصحاب پیامبر مؤید این امر می‌باشد: اضرب بالمقبل الی الحق المدبر عنه ابدأ حتی یاتی علی یومی. عبارت ابدأ به دائمی بودن مبارزه تصریح دارد (مراجعه شود به: دکتر صبحی الصالح، فحج البلاغه، الجزائر، تلمسان، ۱۹۷۵، ص ۵۳).

آزمون تاریخی تئوری حاضر، بیشتر به معرفی کارکرد تاریخ اقتصاد ایران کمک می‌کند تا برعکس. حال به مهمترین شبه فرضیات (یا فرضیات) تئوری اصلاحات اشاره می‌کنیم:

۱- در تاریخ اقتصاد ایران هر گاه قوانین شفاف بوده و هنجارها و گرایشات فرهنگی یا دینی تعریف شده‌ای مطرح بوده و کارگزاران اقتصادی (خانوارها، بنگاهها و دولتمردان) خود را نسبت به اجرای آنها ملتزم دانسته‌اند، کارکرد اقتصادی سامان دار بوده است و زمانی که قوانین غیر شفاف بوده و یا نگرش افراط و تفریط بر عقاید فرهنگی و دینی حاکم بوده، نابسامانی اقتصادی سیطره یافته است. اساساً در عین حال که جزمیت فرهنگی و دینی در عرصه اقتصاد، مخرب است، دین زدایی از اقتصاد نیز نامتناسب خواهد بود.

۲- در صورتی که بخش خصوصی در یک جامعه، کارآمد و بخش عمومی آن منحصر بفرد، باشد، در ارتباط با آن، شکوفایی اقتصادی قابل انتظار است؛ اما هر گاه بخش دولتی حالت ملوک الطوائفی داشته و بخش خصوصی دنبال رانت و صرفاً منافع کوتاه مدت شخصی باشد، اوضاع اقتصادی عقب مانده‌ای بر جامعه حاکم خواهد شد. به قول اقتصاددان مشهور پرفسور موریشیما، بخش عمومی برای حصول به یک اقتصاد پیشرفته می‌باید وضعی منحصر به فرد داشته باشد.^۸ در عین حال بخش خصوصی متکثر نیز می‌باید با بخش عمومی واحد، پیوندی مسالمت‌جویانه و همکاریانه برقرار نماید.

۳- اصلاحات اقتصادی فرایندی همه بعدی است و راندمان و برآیند تحولات آن، مربوط به مجموعه ساختارها و نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. اصولاً اجتماع بشری دربر دارنده مجموعه نهادهایی چون دولت، بازار، مذهب، خانواده و حتی باورهای ایدئولوژیک می‌باشد که تعامل همه آنها اصلاحات اجتماعی و اقتصادی مورد نظر را رقم می‌زند.^۹

۴- وجود مدیران شایسته در عرصه اقتصاد که هم تخصص دارند و هم به طور طبیعی و در یک فرایند مردم سالاری گزینش شده‌اند، همچنین انتخاب حاکمان با تدبیر در عرصه‌های سیاست و وجود هماهنگی کافی بین حوزه‌های اقتصادی و دیگر زیرسیستم‌های اجتماعی، همان طوری که در ساخت تئوری اصلاحات سازگار از جایگاه علمی برخوردارند، از نظر موفقیت اجرایی این تئوری نیز از جایگاه عملی برخوردار هستند. در تاریخ اقتصاد ایران هر گاه قوای غیر اقتصادی برخورداردی همکاریانه با قوای اقتصادی داشته‌اند، بر ضریب موفقیت اقتصادی افزوده شده است.

۵- در صورتی که اهرم‌هایی (مردمی و قانونی) برای کنترل و نظارت بر حاکمان جامعه وجود داشته باشد و دوره حاکمیت سیاسی آنان محدود باشد، زمینه قضاوت منطقی و علمی از سوی مردم موجود بوده، امکان اصلاحات اقتصادی بیشتر فراهم می‌گردد. این امر نوعی پویایی در ابعاد تئوری اصلاحات را به همراه دارد. اما اگر حاکمان علی‌الاطلاق باشند و انتخابات مجددی در مورد آنان صورت نگیرد، زمینه نقادی و

۱. می‌توان مراجعه کرد به پدا... دادگر، دولت رفاه متناسب با اقتصاد ایران، مجموعه مقالات سمینار بررسی ابعاد اقتصادی قانون اساسی، مؤسسه دین و اقتصاد، اردیبهشت ۸۱.

۱. به تعبیر پرفسور داگلاث نورث، ماتریس نهادهای اجتماعی علاوه بر اقتصاد حتی ایستارهای ایدئولوژیک و تعامل شبکه‌های پیچیده و نهادهای مرتبط با آنها و دیگر ساختارهای اجتماعی را دربر می‌گیرد.

قضاوت مجدد در مورد آنها فراهم نمی‌آید و لذا ممکن است اقتصاد به فساد گرایش پیدا کند.^{۱۰} اصولاً نقادی و بازنگری و نظارت، عیوب حاکمان را مطرح کرده، ریشه‌های فساد را برملا می‌سازد. و عدم سؤال از حاکمان و مقدس شمردن مدیریت آنها، جامعه را از منافع مربوط به پویایی، نظارت و نقادی محروم می‌سازد.

در بخشهای بعدی مقاله با توجه به عناصر و فرضیات بخش اول، به مطالعه اقتصاد ایران در طول تاریخ مبادرت می‌ورزیم. ابتدا تاریخ ایران قبل از اسلام را مرور می‌کنیم. به دنبال آن تاریخ ایران در قرون وسطی مورد مطالعه واقع می‌شود. تاریخ اقتصادی ایران در عصر صفویه و قاجار و سرانجام کارکرد تحولات اقتصادی در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی بخشهای پایانی مقاله را شامل می‌شوند. ضمناً می‌توان دورانهای تاریخی زیر را برای مطالعه اقتصاد ایران در نظر گرفت. دوره اول که قبل از اسلام نام دارد، تقریباً از ۱۴۰۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود و تا ۶۲۲ میلادی ادامه دارد. دوره اول اسلامی که در قالب قرون وسطی آغاز می‌شود از سال ۶۲۲ میلادی تا سال ۱۴۹۹ میلادی (که سال آغاز سلطنت صفویه می‌باشد) ادامه دارد. از ۱۵۰۰ تا حدود ۱۸۰۰ میلادی دوره ماقبل کلاسیک ایران است که عمدتاً صفویه، افشاریه و زندیه (و به طور کلی حکومتهای متمرکز قبل از قاجار) را شامل می‌شود. از حدود ۱۸۰۰ (یا ۱۷۸۵) تا ۱۹۸۰، دوره قاجار و پهلوی است که متعاقب آن دوره جمهوری اسلامی آغاز می‌گردد که هنوز ادامه دارد. بدیهی است که در مرور تاریخی مورد نظر، به جزئیات وقایع پرداخته نخواهد شد، و تنها به کلیاتی از موضوع و مطالبی از اندیشه‌ها و حوادث اشاره می‌شود که به عناصر تئوری مورد نظر، مربوط باشد.

۲- مروری اجمالی به تاریخ اقتصاد ایران قبل از اسلام

تمدن ایرانی از تبار آریانها^{۱۱} می‌باشد که حدود سه هزار سال قبل از میلاد از مردمان هند و اروپایی جدا شده‌اند. در عین حال آثار ماقبل تاریخ ایرانی به ۶ هزار سال قبل از میلاد بالغ می‌گردد. آثار نامشخص تمدن ایرانی از ۲۴۰۰ قبل از میلاد و بطور مشخص از ۱۴۰۰ قبل از میلاد ثبت گردیده است، بررسی حاضر نیز از ۱۴۰۰ قبل از میلاد را دربر می‌گیرد.

مناسب است در ابتدا اشاره شود که در آن عصر، خانواده اهمیت ویژه‌ای در زندگی داشت و در جامعه ایرانی، احترام پدر امری اساسی بود.^{۱۲} با توجه به عقیده ایرانی‌ها به آیین مهر و بعد از آن آیین زرتشت، آنها از همان اوایل شکل‌گیری تمدن، به توحید عقیده داشتند. در عین حال امور دینی خانوارها با راهنمایی پدر صورت می‌گرفت و قشر مستقلی به نام روحانی وجود نداشت. منطقه زندگی ایرانی‌های قدیم به نقل از اوستا

۲. تن دادن پیامبران و امامان به بیعت (رأی مردم) نیز نشان می‌دهد با وجود پشتوانه خدایی و معنوی اساسی آنها، آنها نیز به قضاوت مردم تن می‌دادند و رضایت عمومی (با فرض حفظ اصول)، شاخص تداوم حکومت آنان بوده است. در عین حال پیامبران چون مستقیماً از ناحیه خداوند مأمور اداره امور مردم شده‌اند، وضعی استثنایی دارند.

۱. جالب توجه است که آریان از آریا گرفته شده و به معنای نجیب و باوفا می‌باشد. آریا بعدها به ایران و نهایتاً به ایران تبدیل گردید.

۲. در عین حال مسؤلیت پدر نیز سنگین بود. طبق عقاید ایرانیان باستان یکی از اولین وظایف پدر روشن نگهداشتن اجاق خانه بود.

خوش آب و هوا و حاصلخیز بود. حکومت در ایران قدیم حالت فدرال داشت؛ زیرا هر قبیله‌ای رئیسی داشت که با انتخابات آزاد برگزیده می‌شد. رؤسای قبایل از میان خود، رئیس کل یا شاه بزرگ را انتخاب می‌کردند. حکومت‌های مرکزی ضمن رعایت خودمختاری نسبت به حکام فرعی بر کارکرد آنان نظارت داشتند. در سرزمین آریانه‌ها قبلاً عیلامی‌ها، سومری‌ها و اکدی‌ها ساکن بودند و لذا پیوند نزدیکی بین ایرانی‌ها و تمدن‌های مذکور وجود دارد. سومری‌ها بودند که خط را اختراع کردند و قوانین «حمورابی» نیز ساخته و پرداخته آنان است که حداقل به ۱۷۵۰ سال قبل از میلاد مربوط می‌گردد. صنایع و علوم هیئت و نجوم و طب یونانی ریشه در آموزه‌های سومری‌ها دارد. مهمترین اقوام قدیم ایرانی که سامان سیاسی و اقتصادی مشخصی داشتند به ترتیب مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان بودند.^{۱۳} تاریخ اقتصاد ایران را نیز از همین جا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲- پرتوهایی از تاریخ اقتصاد از زمان مادها تا ساسانیان

تاریخ اقتصادی عنوان مشترکی است که تمامی آثار و اندیشه‌ها و حوادث را مورد توجه قرار می‌دهد. یعنی از یک سو عقاید دینی و اخلاقی در زمان مورد نظر و همچنین اندیشه‌های اقتصادی مردمان را ذکر می‌کند و از سوی دیگر کارکرد اقتصادی حاکمان و مردمان عادی را بازگو نموده، اوضاع جمعیتی و تولیدی و حتی هنرها و صنایع آنها را نیز منعکس می‌نماید. هدف اصلی در این بررسی یافتن پیوندهایی بین عناصر فوق و فرضیات این مقاله است - چه آن عناصر به تضعیف فرضیات بیانجامد و چه آنها را تقویت نماید.

مادها از ابتدای قرن هفتم قبل از میلاد پس از پیروزی بر آشوریان، به تشکیل یک حکومت مستقل مبادرت کردند. در ابتدا دامپروری حرفه اصلی مادها بود، بعدها به کشاورزی نیز پرداختند. در عین حال شهرنشینان آنها به کار صنعتی نیز مبادرت می‌ورزیدند. مادها در آغاز، بسیار ساده زیست ولی پرتلاش بوده‌اند و لذا خیلی آرام و مطمئن زندگی می‌کردند. دیاکو اولین پادشاه مادها بود که ابتدا رفتاری مردمی و عادلانه داشت و در نتیجه امور کلی مردم وضع مناسبی داشت. اما دیاکو بعدها به تقلید از شاهان آشوری، دربار و تشریفات را راه اندازی کرد و پس از آن به گونه‌ای جلوه می‌نمود که گویی وی و دیگر مردم، طبیعت دوگانه‌ای دارند. از همین جا بود که زمینه نارضایتی مردم فراهم گردید. همچنین ناآرامی در کشور و نابسامانی در اقتصاد بروز کرد.

هوخشتر پادشاه بعدی مادها نیز نسبتاً با تدبیر و میانه رو بود، اما آژی دهاک پسر و جانشین او مدیر بی‌کفایتی بود که سرانجام با رفتار نابخردانه خود باعث سقوط مادها گردید. او نه تنها خود به رفتار تجمل گرایانه می‌بالید، به تشویق و تبلیغ چنین رفتاری نیز مبادرت می‌کرد. مردمان ماد که در ابتدا ساده زیست و

۱. برای اطلاع از جزئیات و مقدمات تاریخ ایران باستان می‌توان مراجعه کرد به: حسن پیرنیا و عباس اقبال، تاریخ ایران، انتشارات خبام، بدون تاریخ چاپ، صص ۱۲-۴۳.

سخت کوش و تولیدگرا بودند، کم کم به عناصری رفاه طلب، تجمل‌گرا و مصرفی تبدیل شدند.^{۱۴} گسترش رفاه طلبی در بخش دولتی باعث افزایش هزینه‌ها گردید و برای تأمین هزینه‌ها نیاز به مالیات جدید بود. وضع مالیات غیر معقول و سنگین باعث نارضایتی مردم گردید و همین امر یک عامل اصلی سقوط دولت مادها گردید. ضمناً مردمان ماد که قبلاً به دلیل توجه به آموزه‌های دینی و سنتی، تولید و کشاورزی را شغلی مقدس تلقی می‌کردند، هنگام غرق شدن در رفاه طلبی، دیگر به امور اخلاقی و توصیه‌های دینی زرتشت و دیگر رهبران مذهبی توجهی نکردند.

خلاصه در عصر مادها تا زمانی که رهبران و شاهان متعادل حرکت می‌کردند و رفتارهای مردم و مسؤولان سازگار بود، بهبود کلی در امور، صلح و صفا در زندگی و رونق در اقتصاد حاکم بود و زمان نابخردی رهبران و آسمانی جلوه گر شدن آنان و در نتیجه ایجاد فاصله بین مردم و حاکم و افراط در لذت‌گرایی مادی مردم و دولت، زمینه سقوط و افول اقتصاد و سیاست فراهم گردید.^{۱۵}

۲-۲- حکومت و اقتصاد در زمان هخامنشیان

پس از مادها، هخامنشیان به رهبری کوروش حاکم شدند. کوروش یک حکومت مرکزی و با انضباط را فراهم آورد که به قول ویل دورانت بزرگترین سازمان سیاسی قبل از دولت روم قدیم بود.^{۱۶} مورخ مشهور «توین‌بی» یکی از عوامل مهم موفقیت هخامنشیان - و بخصوص کوروش - را وجود انضباط به همراه رفتار مسالمت‌جویانه و همراه با تسامح و تساهل - بویژه در امور مذهبی - از سوی آنان می‌داند.^{۱۷} سازمان‌دهی اداری و انضباط حکومت مرکزی در زمان هخامنشیان بقدری مؤثر و کارساز بود که در ایران و برخی از دیگر کشورها تا پایان قرن ۱۹ نیز به عنوان سرمشق اداری و سیاسی تلقی می‌شد.

در آن زمان، کشاورزی رونق ویژه‌ای داشت و سیستم مالیاتی کارآمد و عادلانه بود. اصولاً در قالب حکومت هخامنشیان توجه به رضایت مردم و عدالت اجتماعی بسیار جدی بود. افراد و گروهها از آزادی‌های مشروع برخوردار بودند. هر مطلب و رفتار مفیدی که از دیگر جوامع دریافت می‌کردند با دقت و با سرعت آنرا بومی می‌کردند. پایه حکومت کوروش بر سخاوت، آزادمنشی و دوستی بوده است، به طوری که حتی مردمانی که در مقابل لشگر کوروش شکست می‌خوردند با رضایت کامل تسلیم می‌شدند و جنگ مربوطه را فراموش می‌کردند. بسیاری از دشمنان خود کوروش به صورت مشاوران او به کار ادامه می‌دادند (کروزوس یک نمونه از اینها محسوب می‌شود). به مردمان و لشگریان شکست خورده با احترام خاصی برخورد می‌کرد

۲. مردم ماد این کلام پیامبر اسلام را متجلی ساختند که: الناس علی دین ملوکهم (مردم از رهبرانشان سرمشق گیرند).

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر از اوضاع مادها مراجعه شود به:

Huart, clement, Ancient Persian and Iranian Civilization; Newyork; 1927; p. 27

۲. مراجعه شود به ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، انتشارات انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۳. توین بی رفتار مذکور هخامنشیان را به لیبرالیسم مذهبی و سیاسی تعبیر می‌نمود و آنرا عامل جذب سخت‌ترین اقوام به حکومت، می‌داند (مراجعه شود به: آرنولد توین بی، تاریخ تمدن، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۴).

و از رفتارهای افراطی که معمولاً لشگریان پیروز از خود نشان می‌دادند، بشدت جلوگیری می‌کرد. رفتار مسالمت‌جویانه و انعطاف‌پذیری ایرانی‌ها در زمان کوروش زبازد مورخانی مانند هرودوت نیز بوده است.^{۱۸}

برعکس کوروش، کمبوجیه (حاکم پس از وی)، چنان نابخردانه و افراطی رفتار می‌کرد که بسیاری از زحمات کوروش و دیگر ایرانیان را بی اعتبار ساخت. کمبوجیه بر عکس کوروش به مذاهب و عقاید مذهبی بی اعتنا بود و حتی عقاید دیگران را مسخره می‌کرد و به قول ویل دورانت کمبوجیه این واقعیت را درک نکرده بود که دین از دولت نیرومندتر است.^{۱۹} طبق آموزه‌های کتاب اوستا و دین زرتشت (آیین اصلی در آن زمان)، کشاورزی بهترین کار محسوب می‌شد و اهورامزدا بیش از سایر مشاغل آنرا دوست می‌داشت. در زمان هخامنشیان، بخشهایی از کشاورزی به صورت تعاونی (توسط خود کشاورزان) اداره می‌شد. یکی از مهمترین راههای آبیاری آنها قنات بود. مهندسان هخامنشی در پل سازی و راهسازی مهارت داشتند. در هر چهار فرسخ، منزلگاه و مسافرخانه دولتی ساخته شده بود و امنیت در سر تا سر جاده‌ها برقرار بود. پارسی‌ها بازرگانی را کاری پست می‌دانستند و بازار را مرکز دروغ و حيله می‌پنداشتند و در نتیجه به کشاورزی و دیگر کارهای مولد می‌پرداختند.^{۲۰} عاملان مفاسد اقتصادی (مثل رشوه) با شدت مجازات می‌گردیدند. در عین حال هر جرمی مجازات مخصوصی داشت، مثلاً قاضی‌ای که رشوه می‌گرفت، اعدام می‌گردید (نس نامیرا یکی از این قاضیان رشوه‌خوار بود که در زمان کمبوجیه اعدام شد)، همچنین قتل غیر عمد ۹۰ ضربه تازیانه دربرداشت. توجه به دستورالعمل‌های صریح و یکنواخت اوستا و دین زرتشت در زمان هخامنشیان نوعی وحدت و انسجام به مردم و دولت می‌داد.

یک قاعده طلایی اوستا این بود که انسان خوب تنها آن کسی است که آنچه بر خود نمی‌پسندد بر دیگران نیز نپسندد. در این آیین انسان سه وظیفه دارد: یکی آنکه دشمن خود را به آدم تبدیل کند، دیگر آنکه آدم بد را به آدم خوب مبدل سازد و سوم آنکه انسان جاهل را عاقل کند. همچنین طبق آموزه‌های زرتشت، رباخواری محکوم ولی برگرداندن اصل وام امری واجب بود. معبدسازی در دین زرتشت قابل قبول نبود و اهل ایمان در دیگر مکانها به عبادت می‌پرداختند. تقوا بزرگترین فضیلت و دروغ و حيله در معامله بدترین اعمال بود. روحانیون زرتشت (یا مغان) آنقدر خود ساخته بودند که دیگران آنها را صاحب کرامت و حکمت می‌دانستند و زهد و ساده‌زیستی و تقوی و تلاش مولد از ویژگی‌های مغان بود.

پارسیان دروس ضروری زندگی را به فرزندان خود می‌آموختند و با این وجود شعر و هنر و برخی علوم را کالای لوکس تلقی می‌کردند. در عین حال به هنر معماری توجه خاص داشتند. در هر حال مردمی با

۱. هرودوت می‌نویسد:

There is no nation which so readily adopts foreign customs as the persians.

مراجعه شود به:

Wilber, Donald N. Iran, Past and Present, Princeton University Press, sixth ed; 1967; p. 22.

۲. جالب توجه است که این جمله را ویل دورانت در مورد کوروش به کار می‌برد و آن را اصل اول حکومت کردن بر مردم تلقی می‌کند.

۳. مراجعه شود به:

Dhalla, M.N.; Zoroastrian Civilization, New York; 1922; pp.141-2, 218.

متجاوز از ۴۶ نوع مذهب و نژاد مختلف و با وجود زبانها و عادات بسیار متفاوت در کشور پهناور ایران قدیم زندگی می‌کردند، امنیت کافی داشتند و به تولید مشغول بودند. جالب توجه است زمانی که دین و اخلاق از محور زندگی مردم پارس، کنار رفت و رفتار ملایم شاهان به خشونت و تندی گرایش یافت و ساده زیستی به تجمل پرستی و کار و تولید به عافیت طلبی مبدل شد، زمینه سراشیبی و سقوط هخامنشیان فراهم گردید. عادت مردم هخامنشی در ابتدا این بود که در شبانه روز یکبار غذا بخورند، اما هم شاهان و هم مردم در اواخر دوره مذکور بخش عظیمی از درآمد را صرف خوراکیهای لذیذ می‌کردند. افراط در شراب خواری از دیگر عادت مردم و دربار پس از حاکمیت خشایار شاه شده بود. غفلت از وضع دربار، فشار بر مردم برای تأمین هزینه‌های دربار و زیرکی سردار یونانی (اسکندر) و کم شدن انگیزه دفاع مردم و ناتوانی و عافیت‌طلبی مردمان و سربازان باعث سقوط هخامنشیان گردید.

گویی تاریخ خط سیر نانوشته‌هایی دارد که صعود و سقوط را رقم می‌زند. اگر حاکمان با تدبیر و مردمان کوشا و باهوش و رفتارها عادی و دین و اخلاق ضامن وحدت باشد و همه چیز متعادل پیش رود، صعود و پیشرفت را به ارمغان می‌آورد و خدشه وارد کردن در هر یک از محورهای فوق نزدیک شدن به مسیر سقوط و سراشیبی را به دنبال دارد.

در هر حال امنیت و آزادی در عصر هخامنشیان رونق اقتصادی خاص خود را به همراه داشت و بخصوص بازرگانی بین کشورهای فراوانی رونق یافت زیرا حمل و نقل و مسافرت بین مناطق از امنیت کافی برخوردار بود. همچنین تا زمانی که مالیات وضع شده بر اساس درآمد بود، هم عادلانه، هم کارآمد و هم درآمد دولت فراوان بود. جالب توجه است که هخامنشیان به جای معامله پایاپای، پول واحدی اختراع کردند که آن نیز به تسهیل در امر مبادله کمک می‌کرد. دولت خوب نظارت می‌کرد و بخش خصوصی خوب تولید می‌کرد و هنجارهای جامعه به خوبی مورد توجه هر دو آنان بود.^{۲۱}

۲-۳- اقتصاد و حکومت در زمان اشکانیان و ساسانیان

پس از مدتی که از شکست هخامنشیان به دست یونانیان گذشت، ارشک از قوم پارت (از دیگر اقوام ایرانی)، بخشی از سرزمین ایران را از دست یونانیان و سلوکیان گرفت و حاکمیت جدیدی را سامان داد. در نتیجه او و دیگر پارتها حکومتی طولانی (حدود ۴۷۰ سال) با نام اشکانیان مستقر نمودند. به طوری که آنها در صد سال اول حاکمیت به تثبیت اوضاع پرداختند. قابل ذکر است که آنها برای حل مسائل مهم کشوری یک مجلس مشورتی تشکیل داده بودند که خبرگان جامعه از دربار و قبایل و روحانیون در آن شرکت داشتند. در زمان اشکانیان، مردم علاوه بر مذهب ایرانی از عادات و عقاید مذهبی یونانی هم تأثیر پذیرفته بودند. ضمناً شاهان اشکانی نیز همانند هخامنشیان در امور مذهبی آزاد اندیش و انعطاف پذیر بودند. تجارت رونق بیشتری نسبت به زمان هخامنشیان داشت، وضع راهها و حمل و نقل بسیار مناسب بود و امنیت

۱. مراجعه شود به: هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲، چاپ سوم، جلد اول، صص ۱۳۷-۱۲۹.

و رفاقت و اعتماد میان دولت و مردم و احترام به هنجارها و دوری از رفتار افراطی باعث شده بود که زمانی طولانی مردم با آرامش زندگی کنند و به حکام خود نیز احترام بگذارند.

زمانی که حاکمان به جنگ و خونریزی روی آوردند و برای کسب قدرت و چیره شدن بر رقیب، هزینه‌های جدیدی بر مردم تحمیل کردند و برای تأمین هزینه‌های مربوطه بر آنان فشار آوردند و حاکمان، مصالح واقعی مردم را فراموش کردند، زمینه نارضایتی عمومی فراهم شد و آثار انقراض حکومت اشکانی و سلطه ساسانیان فراهم گردید.^{۲۲} آنها حکومتی فراگیر و با اقتدار بنا نهادند. ساسانیان قبل از اسلام از زمان اولین پادشاه آنان (اردشیر بابکان) تا زمان خسرو انوشیروان حداقل ۲۰ پادشاه را عوض کردند. مرتب جنگ قبایل و شاهزادگان ادامه داشت. زمان قباد اول (که بین ۴۸۷ تا ۵۳۱ میلادی حاکم بود)، زمینه تحولاتی فراهم شد که در پرتو آنها نوعی آرامش نسبی پدید آمد.

قباد که توسط خیرگان جامعه به سلطنت برگزیده شده بود، اقدامات مناسبی را انجام داد. او فتنه مذهبی مزدک را با زیرکی خوابانید. مالیاتهای سنگین و غیر معقول قبلی را تعدیل نمود و مأمورانی برای نظارت امور مردم به مناطق فرستاد. چون نفوذ ناکارآمد و دخالت روحانیون در امور زندگی مردم از دشواری‌های زمان وی بود لذا ناچار شد که دست آنها را از تصمیم‌گیری در زندگی مردم کوتاه سازد. در عین حال هنوز دشواری‌های فراوانی امنیت و اقتصاد کشور را تهدید می‌کرد که خسرو انوشیروان به جای قباد به سلطنت رسید.

خسرو پس از بررسی کافی در امور مختلف متوجه شد که یکی از مشکلات زمان وی رشد مصنوعی مزدکی‌ها بود، لذا او نوعی مبارزه منفی با آنها را آغاز کرد. جالب است که همین شیوه برخورد، نفوذ مزدکی‌ها را در میان مردم کم کرد. خسرو امور قضایی را خود به عهده می‌گرفت و قضاتی را به سراسر کشور اعزام می‌نمود تا شکایات مردم را به وی منتقل سازند. او به صنعت و کشاورزی توجه ویژه می‌نمود. به زارعان زمین و بذر مجانی می‌داد و مشکل صنعتگران را حل و فصل می‌کرد. تجار خارجی طبق دستور او از احترام خاصی برخوردار بودند و امنیت اموال آنها مورد توجه خاص بود.

خسرو انوشیروان به جای درگیری و جنگ با خارجی‌ها به حل و فصل مسائل داخلی پرداخت و این یکی از مهمترین ویژگی‌ها و عناصر موفقیت وی محسوب می‌گردید. در عین حال که با تدبیر و قاطع بود، نسبت به مردم ضعیف مدارا می‌کرد. یکی از دلایل دیگر موفقیت او مشاورت با شخص با تدبیری چون بزرگ مهر (بوذرجمهر) بوده است. بسیاری از مورخان تصریح می‌کنند که امور مهم انجام یافته توسط خسرو با مشاورت و تدبیر بوذرجمهر بوده است.^{۲۳} جالب توجه است که این وزیر با تدبیر در زمان شاه دیگر ساسانی (خسرو پرویز) به قتل رسید. زیرا خسرو پرویز بر خلاف بوذرجمهر (که مخالف تحمیل هزینه‌های غیرضروری بر مردم بود) معتقد بود بایستی زیباترین کاخها در جهان، مربوط به شاه ایران باشد و بر این

۱. حدود سال ۲۲۴ پس از میلاد بود که اردشیر ساسانی در جنگ علیه آخرین پادشاه اشکانی (اردوان پنجم) پیروز شد و سلسله ساسانیان را بنا نهاد.

۱. در عین حال اطلاعات کافی در مورد شخصیت بوذرجمهر در دسترس نیست.

اساس حرمسراها و تفریح‌گاه‌های پرهزینه‌ای راه‌اندازی کرد.^{۲۴} پس از مرگ خسرو پرویز و تا سقوط ساسانیان به دست اعراب، حداقل ۱۲ حکمران دیگر بر ایران تسلط یافتند و آخرین آنها یزدگرد سوم در حمله اعراب از بین رفت.

علل انقراض سلسله عظیم ساسانی نیز ریشه در عوامل آشنایی دارد. یک نتیجه روشن این بود که هر وقت از مدیران شایسته‌ای چون «برزویه طبیب»ها و «بزرگمهر»ها استفاده می‌شد و عدالت برقرار بود، اوضاع عمومی رو به بهبود بود. رفاه‌طلبی و فقدان انضباط آخرین حاکمان ساسانی آنها را در مقابل هجوم اعراب و مسلمانان تازه نفس، آسیب پذیر ساخت. پیام وحدت بخش دین اسلام، سخت‌کوشی و ساده‌زیستی ملت عرب، در مقابل عافیت‌طلبی و فقدان انگیزه مبارزه از سوی نیروهای حکومتی ایرانی، زمینه‌های اولیه سقوط حکومت ایرانی را بار دیگر فراهم آورد. به خاطر فقدان یک حکومت منضبط مرکزی در ایران، تشتت آرا و عقاید بالا گرفته بود. حکام محلی از این مسأله استفاده کرده، هر کدام به تصمیمات مستقلی مبادرت می‌ورزیدند. تحرکات ملوک‌الطوایفی، اوضاع را به سوی هرج و مرج و بحران پیش می‌برد. نفوذ بیش از حد و غیر قابل توجه روحانیان و اشراف در تصمیمات حکومت، مزید بر علت بود. نتیجه این شد که در اواخر دوره ساسانی، در کمتر از ۴ سال (بین ۶۲۸ تا ۶۳۲ میلادی)، ۱۲ شاه تغییر یافتند.^{۲۵}

نابودی تجارت و صنعت در اواخر دوره ساسانی به خاطر فقدان امنیت، فشار مالیاتی سنگین به خاطر تأمین هزینه‌های تشریفاتی دربار و ظلم و ایجاد نارضایتی نسبت به مردم، کاهش تولیدات کشاورزی به خاطر بی‌توجهی به این بخش و سنگینی مالیات مربوطه از دیگر زمینه‌های شکست سپاه ایران به دست اعراب بود.

خلاصه در تمدن ۱۴ قرن ایران قبل از اسلام، هر گاه قوانین شفاف و عادلانه و مجریان منضبط و مردمی بوده‌اند و هرگاه دین و فرهنگ در جایگاه طبیعی خود قرار داشتند، امور به خوبی پیش می‌رفت. به عنوان نمونه به کارآمدی امور مالیات در برخی از حکومتها اشاره می‌کنیم.

سیستم مالیاتی در بسیاری از موارد روشن بود. گروههایی از محصولات و گروههایی از مشاغل از مالیات معاف بودند. نرخ خراج با نرخ گزیت (که بعد در دوره اسلامی به جزیه تبدیل شد) متفاوت بود. مالیات سرانه بین سنین ۲۰ تا ۵۰ سالگی وضع می‌گردید.

همچنین در بسیاری از حکومتهای قدیم ایرانی ترتیبات اداری بسیار منظم بود و امور مربوط به چاپارخانه‌ها و کاروانسراها همه سلسله مراتب‌وار با حکومت مرکزی پیوند داشت.^{۲۶} از نظر عقاید اخلاقی و دینی، ساختن مسکن، راه‌اندازی قنات، احیای زمین بایر، تقویت کشاورزی، نگاهداری حیوانات، درختکاری و امثال آن با اهمیت قلمداد می‌شدند. اینها از مصادیق کردار نیک - در کنار گفتار نیک و پندار نیک - شمرده

۲. مورخان تنها تعداد کنیزهای خواننده دربار خسرو پرویز را چندین هزار بیان کرده‌اند (مراجعه شود به محمدبن حریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، قاهره، مطبعه الاستقامه، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۸۷).

۳. مراجعه شود به، حسن پیرنیا و عباس اقبال، تاریخ ایران، منبع ذکر شده، صص ۳۱-۳۰.

۱. کشور به طور دقیق به ایالات و استانها تقسیم‌بندی می‌شد و هر استان یا ایالتی را والی یا استاندار اداره می‌کرد.

می‌شدند. عمل بد دارای کفاره معینی بود و یکی از کفارات انجام یک کار خوب مقابل آن بود. در عین حال عقاید مذهبی و عمل کردن و یا نکردن به دستور اهورا مزدا اجباری نبود، چون بر اساس عقاید دینی، انسان موجودی آزاد و مختار تلقی می‌شد. در عین حال پرهیزگاران مورد احترام خاص بودند.

یک مشکل اساسی در نظام ایران قدیم فقدان عنصر کنترل کننده و محدود کننده حکام و روحانیان بود. چون سلطنت موروثی و مطلقه بود و روحانیان قضاوت در امور دینی را به طور انحصاری در اختیار داشتند. لذا اگر به صورت اتفاقی حاکم عادل و خداترس و با تدبیر بود و یا روحانیان حاکم، افرادی متعادل و با کفایت بودند، امور مردم به خوبی پیش می‌رفت، اما اگر شاه ظالم بود و یا روحانیان لیاقت عنوان معنوی فوق را نداشتند، از موقعیت یاد شده سوء استفاده می‌شد و موجب دلسردی مردم می‌گردید. در عین حال چون مذهب اجباری نبود و آزادی مذهب وجود داشت مشکل روحانیان به حوزه قضاوت و مجازات محدود می‌شد اما در مورد سلطان و حاکم مشکل فراگیرتر بود.

۳- تاریخ اقتصادی ایران در قرون وسطی

در هر صورت ظلم دربار و فساد نظامیان و عافیت‌طلبی و گسترش نارضایتی مردم در اواخر دوره ساسانیان از یک سو و آگاهی قوای عرب و روحیه شهادت طلبی آنها به همراه احساس وظیفه دینی در انجام مبارزه، باعث هجوم موفق از سوی آنان علیه ساسانیان گردید.

ذکر برخی از شواهد در این رابطه مفید به نظر می‌رسد. در نامه‌ای که خالدبن ولید فرمانده سپاه اسلامی به فرمانده ایرانی هم تراز خود و استاندار استان مرزی ایران (هرمز) می‌نویسد، ضمن آنکه از وی خواسته می‌شود اسلام را بپذیرد به او گفته می‌شود: «در حال حاضر مردمی به سوی تو می‌آیند که به مرگ عشق می‌ورزند همان گونه که تو به زنده ماندن عشق می‌ورزی»^{۲۷}. به هر حال دوره‌ای که تقریباً از سال ۶۵۲ میلادی (سال کشته شدن آخرین شاه ساسانی یزدگرد سوم) آغاز می‌شود و تا سال ۱۴۹۹ میلادی (که حکومت صفویه در ایران دایر می‌گردد) در محدوده قرون وسطی قرار دارد. البته زمینه حمله به ایران از سال ۶۳۲ میلادی فراهم شده و این کشور عملاً از سال ۲۱ هجری (سال ۶۴۲ میلادی) در قالب فتح الفتوح به تصرف قوای عرب و مسلمان درآمد. لذا در بخشی از این دوره از سال ۱۳ هجری (۶۳۴ میلادی) که خلیفه دوم عمر حاکم شد تا سال ۲۰۶ هجری (۸۲۱ میلادی) ایران تحت سیطره اعراب مسلمان شامل خلفای راشدین (از ۶۳۲ تا ۶۶۰ میلادی) و امویان و عباسیان تا ۸۲۱ میلادی) بود و حکومت و اقتصاد مستقلی نداشت.

از سال ۲۰۶ هجری (۸۲۱ میلادی)، حکومت طاهریان در ایران شکل گرفت و این اولین حکومت ایرانی بعد از اسلام می‌باشد. سپس دیلمیان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، سلجوقیان و اتابکان و خوارزمشاهیان به سلطنت رسیدند. آخرین حاکم از اتابکان و خوارزمشاهیان، جلال‌الدین بود که بین سالهای

۱. مراجعه شود به :

Sikes, sir, P; History of Persian, London; Vol. 1; 1921; p 490.

۱۲۲۰ تا ۱۲۳۰ میلادی حکومت کرد. پس از وی مغول بر ایران سیطره یافت. می‌توان سیطره مغول در ایران را نزدیک به سه قرن بیان داشت که در عین حال برخی حکام ایرانی نیز در آن مدتی بر اوضاع مسلط گشتند. اینک مطالب را در دو بخش پی می‌گیریم: ابتدا اوضاع ایران در دوره اول اسلامی و سپس شرایط ایران در عصر مغول را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۳-۱- ایران در دوره اول اسلامی

همان طور که اشاره شد، این بخش، از سقوط ساسانیان آغاز می‌شود و تا سقوط خوارزمشاهیان (و سیطره مغول) ادامه دارد. خود این قسمت را می‌توان در دو زیر بخش تقسیم نمود: زیر بخش اول از شکست ایران تا سال ۲۰۶ هجری (۸۲۰ میلادی) را شامل است که ایران تحت سیطره حکام صدر اسلام، امویان و عباسیان بود و خود حکومت مستقلی نداشت؛ زیربخش دوم از ۸۲۱ میلادی آغاز می‌شود که اولین حکومت ایرانی پس از سیطره اعراب شکل گرفت.

یک مطلب مهم در مورد ایرانیان این است که با وجودی که در سیطره کامل عرب قرار گرفتند، ولی هویت ایرانی و زبان فارسی و عادات و آداب ایران را حفظ کرده و این بار با اسلام ترکیب کردند. حدود ۱۵۰ سال اول سیطره اعراب، ایرانی‌ها به گونه‌ای حاکمان اعراب را پذیرفتند، اما معمولاً در فکر استقلال بودند. حتی شورش ابومسلم خراسانی نمونه‌ای از این استقلال طلبی‌ها محسوب می‌گردید. خلاصه اگر چه ایران مثل زمان ساسانیان دیگر به صورت یکپارچه به تسلط حکومت‌های ایرانی در نیامد، اما از دو قرن پس از سلطه اعراب، مجدداً حکومت ایرانی تشکیل گردید. مثلاً از سال ۲۰۶ هجری (۸۲۱ میلادی)، اولین حکومت ایرانی در بخش‌هایی از امپراطوری قدیم ایران و تحت سلطه طاهریان تشکیل گردید که تا ۲۵۹ هجری (۸۷۳ میلادی) ادامه داشت. طاهریان اولین سلسله از حکام ایرانی پس از تسلط اسلام محسوب می‌شوند. رهبرانی چون طاهر بن حسین (۸۲۱ تا ۸۲۲ میلادی) طلحه (۸۲۲ تا ۸۲۸ میلادی)، عبدالله بن طاهر (۸۲۸ تا ۸۴۴ میلادی)، طاهربن عبدالله و محمدبن طاهر مجموعاً تا سال ۲۵۹ هجری (۸۷۲ میلادی) در این کشور حکومت کردند.

گروه‌هایی از رقبای طاهریان با عنوان علویان در طبرستان نیز مدتی حکومت را از دست آنان خارج کردند که حکومت آخرین آنها (حسن بن قاسم) ۱۲ سال (۳۰۴ تا ۳۱۶ هجری) ۹۱۶ تا ۹۲۸ میلادی) به طول انجامید. سپس دیلمیان از آل زیاد (۹۲۸ تا ۱۰۰۴ میلادی) و دیلمیان آل بویه (۹۳۱ تا ۱۰۵۵ میلادی) از دیگر اقوام ایرانی، در گیلان و ری و اصفهان و همدان حاکم گردیدند. همچنین صفاریان در سیستان (از ۸۶۱ تا ۱۰۰۲ میلادی)، سامانیان (از ۸۲۹ تا ۹۹۸ میلادی) در ماوراء النهر و غزنویان در بخش‌هایی از افغانستان از ۳۵۱ تا ۵۸۲ هجری (۹۶۲ تا ۱۱۸۶ میلادی) حکومت ایرانی تشکیل دادند. سلاطین غور از ۵۴۳ تا ۶۱۲ هجری (۱۱۴۸ تا ۱۲۱۵ میلادی)، سلجوقیان از ۴۲۹ تا ۵۹۰ هجری (۱۰۳۷ تا ۱۱۹۳ میلادی)، اتابکان از ۵۴۱

تا ۶۲۶ هجری (۱۱۴۶ تا ۱۲۲۸ میلادی) و خوارزمشاهیان از ۴۹۰ تا ۶۲۸ هجری (۱۰۹۶ تا ۱۲۳۰ میلادی)، حکومت‌های مستقل ایرانی دیگری را برقرار ساختند.^{۲۸}

طاهریان از احساسات ملی ایرانی برای تحکیم حکومت خود استفاده می‌کردند و خود را از تبار ساسانیان معرفی می‌کردند. دیلمیان و صفاریان نیز با توجه به عرق ملی ایرانی و افتخار به تمدن دیرین آن، حکومت را در دست گرفتند. در عین حال صفاریان علیه عباسیان (که بر بخش‌هایی از ایران حاکم بودند) به شورش برخاستند. سامانیان با شکست صفاریان حکومت بعدی ایرانی را تشکیل دادند. آنها توجه خاصی به زبان فارسی داشتند و بلعمی که یک وزیر سامانی بود در عین حال یک ادیب معروف فارسی نیز بود. کشمکش صفاریان با بقایای طاهریان باعث شد که سرداری از نوادگان بهرام چوبین ساسانی (نصر بن احمد) منطقه تحت فرمان خود را در ماوراء النهر مستقل اعلام نماید. وی چون ایرانی بودن خود را به اثبات رساند مورد توجه واقع شد. نفوذ نصر بن احمد سامانی و پیروانش (سامانیان) از ۲۰۴ هجری (۸۲۰ میلادی) مرتب رو به افزایش بود و با شکست دادن نیروهای یعقوب لیث صفاری، توانستند به قدرت مرکزی و انحصاری منطقه تبدیل گردند. اما درگیری‌های داخلی، دخالت خلفای بغداد در امور آنان و طولانی شدن جنگ باعث تضعیف سامانیان گردید و زمینه حاکمیت دیلمیان را فراهم ساخت.

رقبای اصلی سامانیان، آل بویه در غرب و غزنویان در شرق بودند. محمود غزنوی از سران معروف غزنوی بیشتر به فکر جنگ بخصوص با هند و کسب غنایم بود تا وحدت و انسجام کشور و در عین حال خود را مدافع اسلام و مبلغ آن دانسته و این عقیده را برای حمله به هند که به گمان او کافر بودند، توجیه مناسبی می‌یافت. به نظر ما این رفتار محمود غزنوی و رویکرد دیگر محمودها یکی از بارزترین نمادهای تزویر و ابزاری کردن دین برای رسیدن به حکومت و قدرت است. زیرا دین اسلام از راه محبت و صداقت و صلح و آزاد منشی و عدالت قابل گسترش است تا از راه نفاق و تزویر و جنگ. در هر حال ناکارآمدی حکومت و اختلافات شدید در میان غزنویان و دیلمیان راه را برای حاکمیت سلجوقیان فراهم ساخت.

سلجوقیان هم مانند غزنویان به اختلافات مذهبی شیعه و سنی دامن می‌زدند و به صورت افراطی از مذهب اهل سنت دفاع می‌کردند و هم موضوع اختلاف زبان و تا حدودی نژاد ترک و فارس و عرب را دامن زده و از زبان ترکی به شدت دفاع می‌کردند. در عین حال به نظر می‌رسد اهمیت دادن سلجوقیان به دین و زبان صرفاً برای مخالفت و نابودی دشمنان آنها بود و عقیده‌ای ریشه‌ای و دارای مبنای نظری مشخصی محسوب نمی‌شد. آنها عمدتاً داعیه حاکمیت بر تمام ایران را داشتند و دنبال کسب قدرت بودند. لذا مورخان و تحلیل‌گران، سلجوقیان را اولین حکامی معرفی می‌کنند که حکومت دنیوی را سامان دادند.^{۲۹} در عین حال بحث حکومت دینی و ادغام حکومت و دیانت در آن زمان به طور جدی مطرح بود. حتی یکی از متفکران

۱. چون ورود به جزئیات تاریخی کار این نوشته نمی‌باشد، در عین حال برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توان مراجعه کرد به:

الف — Donald N. Wilber; Ibid; pp. 38-49.

ب — حسن پیرنیا و عباس اقبال، تاریخ ایران، منبع ذکر شده، صص ۱۰۹ تا ۴۰۹.

۱. حداقل می‌توان مراجعه کرد به دیوید مورگان، ایران در قرون وسطی، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۳۹.

(امام محمد غزالی) آن زمان عقیده داشت که می‌توان سلطنت را در چارچوب اندیشه اسلامی جای داد و به عقیده او سلطنت را می‌باید بخشی از امامت در نظر گرفت.

سلجوقیان از یک سو می‌خواستند حکومت را به صورت محلی و عشایری اداره کنند، اما از سوی دیگر ملاحظه می‌کردند که شرایط حکومت فراگیر، با زندگی روستایی - عشایری قبلی آنها فاصله زیادی دارد، لذا برخی از سران آنها (مثل آلب ارسلان) از متفکران ایرانی نظیر خواجه نظام الملک دعوت کرد که دیوان اداری ایران را در قالب حکومت سلاجقه راه‌اندازی نماید. خواجه در آغاز نگرش خاصی از اندیشه ایرانی - اسلامی را تئوریزه کرده و توجه به آن را به شاهان توصیه می‌نمود. از زمانی که ترک‌های سلجوقی به دستورالعمل خواجه نظام الملک توجه کردند و تجارب ایرانی - اسلامی را در امور مدیریت مورد استفاده قرار دادند، ثبات حکومتی آنها نیز بیشتر شد و از رفتارهای افراطی (ترک‌گرایی و سنی‌گرایی شدید) دست برداشته، موجب پیشرفت و عظمت کشور شدند. لذا کتاب سیاست نامه خواجه نظام الملک (تدوین شده در قرن ۵ هجری یا قرن ۱۱ میلادی) گویی کتاب دولت و دیوان سلجوقیان محسوب می‌گردید و مورد عمل شاهان مذکور واقع می‌شد.^{۳۰}

اختلافات قبیله‌ای و عشایری ریشه‌دار سلجوقیان و تعصب زیاد در مورد زبان ترکی، یکی از عوامل درگیری بین گروههایی از آنان، حتی در هنگام حاکمیت امپراطوری سلجوقی بوده است. پس از درگذشت ملکشاه و بخصوص وزیر باکفایتی چون خواجه نظام الملک، در واقع ثبات اقتصادی و سیاسی سلجوقیان نیز به شدت تضعیف گردید. در عین حال اختلافات بین مرکز حکومت دینی (عباسیان) و مرکز حکومت دنیایی (سلجوقیان)، عامل دیگری در تضعیف حاکمیت سلجوقی گردید. درگیری‌های مذهبی شیعه و سنی و بویژه تشکیل حکومت شیعی در مصر، عامل دیگر تضعیف سلجوقیان بود؛ زیرا آنها معروف به مروج اهل سنت شده بودند. لشکرکشی گروههایی از قراختانیان و حتی امیرانی انشعابی از درون خود سلجوقیان (به نام خوارزمشاهیان) علیه سلجوقیان نیز مزید بر علت گردید؛ به گونه‌ای که خوارزمشاهیان در مراکز از امپراطوری سلجوقی اعلام استقلال کردند. اما نتیجه این درگیری‌های بیهوده نژادی و مذهبی، پیروزی قوم مغول بر ترک و فارس و شیعه و سنی گردید.

۳-۱-۱- جمع‌بندی تاریخ اقتصادی سیاسی ایران در دوره اول اسلامی

همانطور که قبلاً اشاره شد به اعتقاد ما موفقیت یک الگوی اصلاحات و توسعه اقتصادی مربوط به توجه آن به پیوند شبکه‌ها، ساختارها، نهادها و روابط اجتماعی می‌باشد که ترکیب همه آنها سامان اقتصادی را تدارک می‌بیند. بر این اساس در این جمع‌بندی نیز مسائل اقتصادی تنها بخشی از ماتریس اجتماعی کلی را تشکیل می‌دهد.

۱. جالب توجه است که کتاب سیاست‌نامه را اولین بار خاورشناسی فرانسوی، به نام «شفر» در سال ۱۸۹۱ میلادی در پاریس به چاپ رسانید. در سال ۱۳۲۰ شمسی (۱۹۴۱ میلادی) وزارت فرهنگ ایران کتاب مذکور را با تصحیح و حواشی مرحوم عباس اقبال آشتیانی منتشر ساخت.

یک هنر ایرانی‌ها در این دوران پذیرش اسلام در کنار حفظ سنن خود بود و این در میان بسیاری از دیگر ملت‌ها بی نظیر و یا کم نظیر می‌باشد. لذا تداوم فرهنگ اسلامی - ایرانی یک سنتز بسیار موثر و در عین حال عجیب می‌نمود. زیرا سایر ملل از جمله مصری‌ها، اروپایی‌ها و حتی مسیحی‌ها، در برخورد با تمدن و یا دین برتر سنت‌های مهاجمان را پذیرا شده و از آداب خود تقریباً دست برداشتند.

البته برخی از مورخان و شرق شناسان علل مسلمان شدن عده‌ای از ایرانی‌ها را منافع اقتصادی و سیاسی مربوط به آن قلمداد کرده‌اند که این امر نهایتاً اقشار بسیار کمی را شامل می‌شود و اکثر ایرانی‌ها با آگاهی و مطالعه کافی به استقبال اسلام رفته‌اند.^{۳۱} البته بدرفتاری گروههایی از فرمانداران عرب در لباس مبلغان دین اسلام و ظلم و اجحاف آنها نسبت به غیر عرب‌ها و وضع برخی مقررات فاقد منطق اقتصادی و عقلانی در مورد مالیات و عدم تبیین صحیح دین اسلام و یا سست بنیادی عقاید شخصی گروههایی از مردم تازه مسلمان می‌تواند توجیه مناسبی برای دیدگاه برخی از شرق شناسان و اسلام شناسان محسوب گردد. لذا اینکه عامل اقتصادی را تنها عامل و یا مهمترین عامل برای گرایش به دین اسلام به طور کلی و یا دین دار شدن ایرانیان به طور خاص برشمرده شود، از پشتوانه منطقی و تجربی کافی برخوردار نمی‌باشد.^{۳۲}

پیرامون اوضاع اقتصادی مرتبط با ماتریس اجتماعی ایران در صدر اسلام می‌توان از وضع کشاورزی، تجارت، دستمزد، مقیاس‌ها، راهها و ارتباطات به عنوان نمونه گزارش‌هایی ارائه نمود. کشاورزی در ایران قرون وسطی از محورهای تولید و اشتغال و درآمد کشور بوده است. یکی از خدمات طاهریان (بویژه عبدالله بن طاهر) تقویت کشاورزی و راه‌اندازی سیستم آبیاری بوده است.^{۳۳} در اکثر نقاط کشور بیشتر فرآورده‌های کشاورزی تولید می‌شد: گندم و جو در کرمان، برنج در مازندران و طبرستان، زیتون در فارس، دیلم و نیشابور، نیشکر در خوزستان، هندوانه و خربزه در اردبیل و اهواز، سیب و گلابی در مازندران و اصفهان، انار در دامغان، گرگان و اصفهان، توت در فارس و مرکبات در سیستان، خرما در خوزستان و فارس، گردو در سمرقند، دیلم و کرمان، فندق در قم از نمونه محصولات آن زمان ذکر شده است.^{۳۴}

تولیدات دامپروری و صنعتی نیز در کنار تولیدات کشاورزی بخش دیگری از فعالیت اقتصادی ایرانیان بود. پارچه، صنعت ابریشم، پشم، کتان و حتی کاغذ در طبرستان، تولیدات سفالی در طوس، اصفهان و خوارزم، صنایع آهنگری، مسگری و نجاری بویژه در زمان صفاریان، رونق قابل توجهی داشته‌اند. فلزکاری و تولیدات معدنی نیز در اغلب جاهای ایران رایج بوده است.

۱. گفته می‌شود که عده‌ای از تازه مسلمانها همین که سایه مهاجمان عرب را کوتاه می‌دیدند، مجدداً به دین قبلی خود باز می‌گشتند. همچنین اشاره شد که عده‌ای پس از اعلام معافیت مالیاتی نسبت به مسلمانها و وضع جرائم مالیاتی برای غیر مسلمانها، به اسلام گرویده‌اند (مراجعه شود به برتولد اسپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳).

۲. در عین حال برای انجام بررسی همه جانبه در این رابطه همچنین می‌توان مراجعه کرد به: دانیل دنت، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۸.

۳. جالب توجه است: عبدالله بن طاهر (در قرن سوم هجری و نهم میلادی) در نامه‌ای به فقها آنها را وادار به مطالعه راههای مناسب برای تقویت کشاورزی و حل و فصل ملازمت شرعی مربوط به آن نموده است.

۴. همچنین انواع گیاههای صنعتی در آذربایجان و خراسان تولید می‌شده است (به کامل ابن اثیر، تاریخ الکامل، بیروت، بخصوص ج ۸ مراجعه شود).

تجارت در ایران قرون وسطی مانند ایران زمان ساسانی تقریباً شغلی زائد و پست شمرده می‌شد. تنها گروه‌هایی از یهودیان و سغدیان (از ایرانی‌ها) به این شغل توجه داشتند. در عین حال ایرانیان هنگامی که ضرورتاً وارد تجارت می‌شدند، بسیار باهوش بودند و حتی تجارت در چین و جاده ابریشم در سیطره آنان بود. اساساً وضعیت خاص جغرافیایی ایران و وسعت سرزمین آن گروه‌هایی از آنها را به ناچار به تجارت می‌کشاند. صدور پارچه از خراسان، خوارزم، طبرستان و قزوین، صدور ابریشم از سمرقند، مرو، نیشابور و گرگان، صدور پوست از بخارا، بلخ و خوارزم، منسوجات از طوس و سیستان، چرم از گرگان، گلاب از فارس، زین از اردبیل و امثال آن در آن دوره به مهمترین مراکز مصرف دنیا، صورت می‌گرفت.

جالب توجه است که اصناف و تولیدکنندگان ایرانی هنگام صدور کالاها توجه به نیاز داخلی داشتند. و اساساً از مازاد نیاز برای صادرات استفاده می‌کردند.^{۳۵} محصولات که در حد نیاز داخلی بود، اصولاً صادر نمی‌شد. همچنین برخی محصولات تنها در داخل کشور توزیع می‌شدند و نیازهای تولیدی بخش‌های صنعتی دیگری را پوشش می‌دادند. به گونه‌ای که مناطق تولید و صدور کالا، بخش صنعت و کشاورزی از یک سو و تجارت از سوی دیگر پیوند معنی‌داری داشتند؛ به طوری که گویی تولیدکنندگان و تجار مصالح اقتصاد ملی و کلان را بر منافع بخشی و فردی ترجیح می‌دادند. در میان ایرانی‌های قرون وسطی تا قرن دهم میلادی معمولاً پول، نقش قابل توجهی در اقتصاد نداشت که از آن زمان کاربرد آن توسعه یافت. البته انواع مسکوکات از نیمه اول قرن دوم هجری (هفتم میلادی) در مناطق مختلف به کار می‌رفته است.^{۳۶} همچنین بخاطر وابستگی زندگی اقتصادی مردم و توجه به مسأله امنیت و حل و فصل امور پستی در ایران دوره اسلامی، به راه و جاده و امور حمل و نقل نیز اهمیت بسزایی داده می‌شده است.^{۳۷}

احترام به کشاورزان و نسبت آنان در میان مشاغل ایرانی بیش از دیگران بوده است. درآمد اصلی مالیاتی مربوط به خزانه و حتی کمک به فقرا از تولید و محصول آنان تأمین می‌گردید. نوعی همکاری اجتماعی بین ثروتمندان از کشاورزان و فقرا و برده‌های ضعیف وجود داشت که با توجه به آمیزه آموزش اسلامی - ایرانی در زندگی اجتماعی شکل گرفته بود.^{۳۸} جدول درآمد مالیاتی اصلی‌ترین مناطق ایران در قرون وسطی با شیوه‌ای منظم تدوین شده بود. به عنوان نمونه در آذربایجان از سال ۶۴۲ میلادی، نهاوند ۷۸۵، در فارس و کرمان ۶۰۰، کرج و همدان و گیلان و گرگان و طبرستان ۸۷۵، خراسان ۷۴۱، خوزستان ۶۸۰، اصفهان ۸۰۰، نیشابور ۸۹۱، قزوین ۸۲۰، قم ۸۰۰، ساوه ۹۱۸، سیستان ۶۵۰، بخارا ۷۰۷ و کاشان از سال ۹۴۰ میلادی، دفاتر محاسباتی دقیق مالیاتی ایرانی‌ها مدون گردیده بود.^{۳۹} به طور کلی در مورد ۶۰۰ سال اول ایران پس از

۱. مراجعه شود به احمد بن عمر، ابن رسته، کتاب الاعلاق، بخش ۷، ص ۱۵۷.

۲. به ابن ابی بکر، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، صفحات ۴۷، ۴۱۷ و ۴۵۲ مراجعه شود.

۳. ساختن تونل، کشتیرانی در مناطق دریایی، پل‌های طویل، تربیت اسب و شتر و قاطر و حتی یوزپلنگ برای حمل و نقل از این نمونه می‌باشد.

۴. برای آشنایی از جزئیات رفاه اجتماعی و پیوند اقشار مختلف جامعه ایرانی - اسلامی می‌توان رجوع کرد به: ابی القاسم بن حوقل، المسالك و الممالك (بخصوص جلد دوم).

۱. مراجعه شود به: برتولد اشپولر (۱۳۷۳)، منبع ذکر شده، صص ۳۵۰ - ۳۳۰.

اسلام (از اواسط قرن هفتم تا اوایل قرن سیزدهم میلادی که حمله مغول آغاز شد) می‌توان چنین جمع‌بندی نمود:

۱- دشواری‌ها، فراز و نشیب‌ها، تلخی‌ها و شادی‌های فراوانی بر تمدن و فرهنگ و مردم ایران گذشت ولی آنها ضمن پذیرش دین جدید (اسلام)، هویت‌های ملی و اخلاقی ایرانی را با آن گره زدند و این سنتز جدید کارایی زایدالوصفی به همراه داشت.

۲- بر اساس دیدگاه آلبرماله مورخ و ایران شناس معروف، ایرانیان قومی رشید بودند و در عین حال عادات سالم بیگانگان را به خوبی هضم می‌کردند. آنها همچنین به قانون توجه خاص داشتند. صفا و صداقت و اخلاق را با مذهب یکی می‌دانستند. هرودوت نیز می‌نویسد: ایرانیان هیچ چیز را به اندازه دروغ موجب شرمساری نمی‌دانستند و حتی قرض گرفتن را هم به خاطر احتمال افتادن در دام دروغ، نکوهش می‌کردند.^{۴۰} در هر حال این عقیده خاص در پیوند مذهب و اخلاق بسیار مهم و کارساز می‌باشد.

۳- هر وقت که حکام با کفایتی بر ایران پس از اسلام مسلط شده‌اند، از سویی مورد احترام بوده‌اند و از سوی دیگر اقتصاد و سیاست و جامعه را سامان بخشیده‌اند. هرگاه حکام بی‌کفایت و یا افراطی مسلط شده‌اند، رفتاری‌های خاصی بر جامعه تحمیل گردیده است. اگر سلطان محمودها حاکم می‌شدند، دین را ابزار قدرت می‌نمودند و چاپلوسی در جامعه رونق می‌گرفت؛ ولی اگر حاکمان متعادل و با تدبیری چون عبدا... بن طاهرها مسلط می‌شدند و یا وزیران کاردانی چون نظام الملک‌ها و بهمنیارها مشاور شاهان می‌شدند، تولید افزایش می‌یافت و امنیت فراوان و رضایت اکثریت حاصل می‌گردید.

۴- هر جا دستگاه‌های حکومتی تعصب دینی و زبانی و امثال آن را راه‌اندازی می‌کردند (مثل برخی از سلجوقیان و غزنویان)، نا آرامی بر جامعه حکمفرما می‌شد و زمانی که مذهب ابزار قدرت قرار نمی‌گرفت (مانند زمان صفاریان و طاهریان و برخی از سامانیان)، اعتماد عمومی به دین و دولت برقرار بود.

۵- ایرانیان دوره اول اسلامی با توجه به زمینه‌های عقلانی، هنجاری و رفتاری خود، نگرش‌ها و قرائت‌هایی از اسلام را پذیرا شدند که به دور از جزم‌نگری و خرافات بود و بین عقل، علم، دین و اخلاق پیوند ماندگاری به وجود می‌آورد و لذا آنها حتی برای تمدن اسلامی نیز مفید واقع می‌شدند. در این باره این کلام پیامبر که: «اگر علم در اکناف آسمان باشد، افرادی از اهل فارس به آن دست می‌یابند»، بسیار معنی‌دار خواهد بود.^{۴۱} لذا سازگاری بیشتر متفکران مسلمان ایرانی با عقاید معتزله با این امر بی‌ارتباط نمی‌باشد.^{۴۲}

۲. مراجعه شود به آلرماله و ژول ایزاک، تاریخ ملل مشرق، ترجمه عبدالحسین هژبر، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، جلد اول، صص ۱۴۲ و ۳۴۶.

۱. کلام پیامبر به نقل از ابن خلدون چنین است: لو تعلق العلم باکناف السماء لئاله قوم من اهل الفارس (ابن خلدون، مقدمه، بیروت، دارالاحیاء، بدون تاریخ چاپ، ص ۵۴۴).

۲. به طور کلی متفکران ایرانی در توسعه علوم عقلی و حتی عقلانی ساختن و کارآمد ساختن دسترسی به آن نقش اساسی در تمدن اسلام داشته‌اند. و کلام ذکر شده از پیامبر گرامی اسلام هم می‌تواند پایگاه اجتماعی و عمق توجه انسانی و تاریخی وی باشد و هم می‌تواند منشأ و حیاتی داشته باشد، لذا از استحکام بی نظیری برخوردار می‌باشد، (برای مطالعه بیشتر، می‌توان همچنین رجوع کرد به ذبیح الله صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱).

۶- جنگ قدرت در دوره اول اسلامی، بروز تعصبات قومی و دینی حکام، فقدان دولت مرکزی منضبط، فراوانی گرایش‌های زبانی و مذهبی، اداره ملوک الطوائفی مناطق کشور، عدم شفافیت پیوند دین و دنیا برای حکام و مردم و امور مشابه آن باعث ناکارآمدی‌های فراوانی از عصر طاهریان تا عصر خوارزمشاهیان شد که زمینه سقوط حکومت‌های ایرانی و سرانجام پیروزی مغول را فراهم ساخت.

۷- در عین حال و با وجود تمامی مشکلات، پویایی نگرش‌هایی از اسلام، ثبات فکری و هوشیاری ایرانی‌ها، اخلاق کارساز ایرانی، وجود مدیران با تدبیر، کاربرد تجارب و هنجارهای کهن ایرانی و امثال آن باعث شد که نظام تولید و سیستم مالیاتی و رفاه عمومی در کنار دیگر، زیر نظام‌های جامعه در مجموع مسیر نسبتاً سامان داری را بیماید.

۳-۲- از مغول تا آغاز صفویه

همان طور که اشاره شد دوره مغول از سال ۱۲۱۹ میلادی با حمله چنگیزخان (۱۲۲۷-۱۱۶۰ میلادی) علیه خوارزمشاهیان آغاز می‌شود و تا ۱۴۹۹ میلادی (جلوس صفویه به سلطنت) ادامه دارد. علاوه بر خود چنگیز، هلاکوخان نیز در دهه ۱۲۵۰ میلادی حمله دیگری علیه سرزمین ایران به عمل آورد. در عین حال ایلخانان مغول بین ۱۲۵۰ تا ۱۳۳۰ میلادی بخش دیگری از ایران را در اختیار داشته‌اند.^{۴۳} چنگیزخان در قالب قوانین قبایل مغول در سال ۱۲۰۶ میلادی و براساس رأی مجلس خبرگان زمان خود، رئیس کل مغولان گردید.^{۴۴} معروف است که مغولان وحشی‌ترین و خونخوارترین مردمان هم مرز چین بودند و چینی‌ها در تلاش بودند آنها را از اطراف کشور خود بیرون نمایند. نام اصلی چنگیز تموچین (به معنی خونین دست) بود. در هر صورت در کمتر از ۲۰ سال بزرگترین امپراطوری جهان به دست وی به وجود آمد.^{۴۵} همان طور که ملاحظه خواهد شد زمینه‌های اولیه حمله مغول بسیار ابتدایی است، به این صورت که سفیر مغولان در سفر به ایران به دست نیروهای خوارزمشاه کشته شد. از آنجایی که مغول‌ها سفیر را مقدس و مصون می‌دانند، این امر را بهانه حمله به ایران نمودند و این آغاز فتنه‌ای بزرگ بود. پس از درگذشت چنگیز، هلاکو فتوحات بعدی را به سرحدکمال رسانید. پس از مرگ وی در سال ۱۲۶۵ میلادی حکومت ایلخانان مغول در ایران تشکیل گردید. ایلخانان در سال ۱۲۹۵ اسلام آوردند و از این سال غازان خان مغول تا سال ۷۳۶ هجری (۱۳۳۵ میلادی) بر ایران حکومت کردند. پس از شکست آخرین ایلخانان (ابوسعید ایلخانی) در سال ۱۳۳۵ میلادی، اختلافات وسیعی بین مغول‌ها و دیگران برای قبضه قدرت رخ داد. در نتیجه دولت‌های محلی فراوانی تشکیل شد که همه بی‌ثبات و دارای عمری محدود بودند. در نتیجه نهایی، تیمور اوضاع را در دست گرفت و از ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۵ میلادی بر بخش‌های عظیمی از ایران مسلط گردید. پس از

۳. بنا به گفته رشیدالدین فصل ۱۰۱... بزرگترین مورخ دوران مغول، حمله مذکور پس از تهاجم اعراب به ایران مهمترین واقعه تاریخ این کشور به حساب می‌آید.

۴. مغولان مجلسی به نام قورلتای داشتند که نقش مجالس خبرگان امروزی را بر عهده داشت و قوانینی به نام یاسا مدون می‌ساخت که لازم الاجرا بود.

۱. مراجعه شود به حسام الدین امامی، رویدادهای مهم تاریخ، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲، ص ۹۳.

وی گروه‌هایی تحت عنوان تیموریان حکومت را در دست گرفتند که آخرین آنان (آق قویونلو) در سال ۱۵۰۱ میلادی توسط اسماعیل صفوی شکست خورده و در نتیجه سلسله مغولان در ایران منقرض گردید.

بدیهی است که دوران اسپتلائی مغولان و تیموریان، دردناک بود و غیر انسانی و آثار خرابی‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی آن بی‌شمار می‌باشد. زمینه‌های رشد اقتصادی و پیشرفت علم و تمدن از بین رفت که بخشی از آثار نامناسب آن در دوره‌های پس از مغول (مثل صفویه) ظاهر گردیده است. اما در عین حال هم به خاطر هشیاری و انعطاف‌پذیری و صبر ایرانیان و هم به دلیل سابقه ارزشمند تمدن و فرهنگ ارزشمند ایران در دوره قبل از مغول و حتی به دلیل تلاش بسیاری از متفکران در همان دوره مغول، و در مواردی به خاطر رفتار نسبتاً متناسب برخی از حکام مغول، جنبه‌هایی از تمدن ایرانی و اسلامی حفظ گردید. زمانی که برخی از حکام دوره مغول و تیموریان از توصیه خواجه رشیدالدین فضل‌ا...، حمدا... مستوفی، عظاملک جوینی و خواجه نصیرطوسی و امثال آنها در امور کشورداری استفاده می‌شد، نظم و انضباط نسبی به وجود می‌آمد و شهروندان از رفاه نسبی بهره‌مند می‌شدند.^{۴۶}

همچنین پس از حمله مغول و باز شدن راه ایران و چین، نمونه برخی از صنایع و هنرهای چینی به ایران آورده شد، تولید پارچه رونق بیشتری یافت؛ خط، شعر، نقاشی و معماری به ویژه هنگام صدارت ایلخانی‌ها توسعه یافت. خان‌های مغول به علت اهمیت دادن به قبور خاندان خود، باعث تشویق و رونق در ساخت معبد، بارگاه و مقبره‌های فراوانی نیز گردیدند. برخی از مغولان مثل غازان خان برای رعایت عدل و انصاف و رفع ظلم و گسترش رفاه شهروندان، یاسایی تنظیم نمود که ذکر برخی از مفاد و مواد آن قابل توجه است.

در یکی از مواد یاسای مذکور تصریح شده که تنها سالی یکبار و توسط مأمورین مشخص و پس از بررسی و داشتن استحقاق، مالیات اخذ خواهد شد. قابل ذکر است که پس از سه سال از اجرای این قانون اوضاع مالیاتی دولت و رضایتمندی شهروندان در این خصوص بهبود جدی یافت. دیگر آنکه برای مأموران دولتی که برای امور محوله به مردم مراجعه می‌کنند، مکان‌های مخصوص تدارک می‌شود تا در آنجا امور را حل و فصل نمایند؛ چرا که قبل از اجرای این قانون، مأموران دولتی بر مردم تحمیل می‌شدند و طبق تقاضایشان پذیرایی شاهانه‌ای از سوی مردم از آنها به عمل می‌آمد. قبل از حکم غازان‌خان، ربا در میان مغولان رایج بود ولی یکی از مواد یاسای مذکور ممنوعیت ربا اعلام گردیده و در آن تصریح شده بود که متخلف مجازات سختی را به جان خواهد خرید.

همچنین ضرب سکه با عیار واحد در تمام ایالات توسط غازان خان باعث تسهیل مبادلات و رفع برخی تبعیض‌ها در استانها گردید. زیرا قبل از آن هر ولایتی عیار و پول مخصوص به خود داشته است. قبل از غازان خان بسیاری از زمین‌های کشاورزی بی‌صاحب و بی‌حاصل گردیده بودند. براساس یاسای غازان برای احیای زمینها جوایزی در نظر گرفته شد. همچنین در زمان حکومت مغول‌ها امنیت راهها از بین رفته و

۲. قابل توجه است که متفکرانی چون مولوی، سعدی، حافظ، قطب‌الدین شیرازی، سهروردی، منهاج السراج صاحب تجارب سلف، صاحب نصاب الصبیان، سکاکی، عبید زاکانی، ابن‌بمین، خواجوی کرمانی، امیر خسرو دهلوی، شیخ محمود شبستری، شیخ عطار، فخر الدین عراقی و امثال آنها در دوره مغول می‌زیسته‌اند.

راهزنانی حرفه‌ای مزاحم کاروانها بودند. غازان خان در یکی از مواد یاسای خود دستگیری راهزنان و ایجاد امنیت عمومی را به طور قاطع اعلام نمود. ممنوعیت شراب‌خواری در ملأ عام، ممنوعیت اخذ رشوه و سامان دادن به دستمزد کارکنان نظامی و اداری از دیگر اقدامات غازان خان مغول می‌باشد. همچنین تیموریان نیز مانند ایلخانیان و غازان خان، قدری از آثار و خرابی‌های مغولها را جبران کردند.^{۴۷}

۱. خدمات تیموریان در بهبود اوضاع در مواردی نسبت به مغول به گونه‌ای آشکار بوده که برخی از محققان آن دوران نام «دوران رنسانس تیموریان» را به کار برده‌اند (مراجعه شود به دیوید مورگان، ایران در قرون وسطی، منبع ذکر شده، ص ۱۳۴).

۴ - اندیشه اقتصادی ایران در عصر صفویه و قاجاریه

این بخش حداقل دو زیر بخش عمده در بر دارد: یکی مربوط به عصر صفویه است و دیگری عصر قاجار. در عین حال پیرامون حکومت‌های زندیه و افشاریه نیز در حواشی این فصل اشاره خواهد شد. آغاز دوره صفویه را می‌توان سال ۱۵۰۱ میلادی دانست که با احتساب دوره‌های کوتاه حکومت‌های زندیه و افشاریه تا سال ۱۷۷۹ ادامه یافته و حکومت قاجار حدود ۱۵۰ سال یعنی از ۱۷۷۹ تا ۱۹۲۵ به طول انجامیده است.

۴-۱- تاریخ اقتصادی اجتماعی ایران در عصر صفویان

حکومت صفویه یکی از عظیم‌ترین حکومت‌های عصر جدید ایران است که گروه‌های مختلف ایرانی به دنبال حدود ۹۰۰ سال نابسامانی مجدداً تحت این حکومت وحدت یافته و در قالب آن به تعبیر برخی از محققان، نوعی دیگر از امپراطوری ساسانیان در ایران احیا گردید.^{۴۸} شاه اسماعیل اولین رهبر صفوی در سال ۱۵۰۷ میلادی مناطق غرب و ۱۵۰۸ عراق را تصرف نمود. قبایل قزلباش از شاه اسماعیل حمایت جانانه می‌کردند. همچنین او خود را منتسب به خاندان علی (ع) می‌دانست و مذهب شیعه را در ایران اجباری کرد و این اقدام، فضای جدیدی در بسیاری از عرصه‌ها فراهم آورد. برخی از مورخان انگیزه شاه اسماعیل از ترویج شیعه را سیاسی می‌دانند و ادعا می‌کنند که او مذهب تشیع را برای یافتن یک هویت مستقل ایرانی و کسب قدرت و یکپارچگی جامعه به کار برده است.^{۴۹} اما با توجه به فقدان زمینه وسیع برای اجباری ساختن تشیع، شاه ناچار شد از فقهای شیعه دیگر کشورها از جمله لبنان کمک بگیرد. مرحوم کرکی جبل عاملی یکی از این فقها بود که در این ارتباط به ایران وارد شد.^{۵۰}

همچنین تصوف در این دوره به شدت تقویت گردید. در عین حال تحولات مربوطه فوایدی نیز در بر داشت، مثلاً قبل از حاکمیت شاه اسماعیل هرج و مرج و ناامنی و دشواری‌های اقتصادی و سیاسی فراوانی در جامعه ایرانی حاکم بود که قاطعیت شاه اسماعیل سامان دهی جدیدی به امور کشور و حل و فصل مسائل یاد شده داد. پس از درگذشت شاه اسماعیل، شاه طهماسب و سپس فرزندش اسماعیل دوم حاکمیت یافتند. شاه طهماسب نیز راه پدر را ادامه داد؛ اما شاه اسماعیل دوم برخلاف پدر با شیعه‌گری افراطی مخالفت کرد و احترام به اهل سنت را نیز احیا کرد.^{۵۱} سلسله شاهان صفوی با سلطان محمد خدابنده پس از اسماعیل دوم

۱. مراجعه شود به: Wilber, Donald; opcit; 1997; p. 66

۲. بیانیه‌ای از برنارد لوپس شرق شناس معروف در مورد انزاری کردن مذهب وجود دارد که نکان دهنده است. وی می‌گوید: هنگامی که بشر مدرن، مذهب را از جایگاه فوقانی‌اش در قالب ملاحظاتی ذهنی خود تزلزل داد، این عقیده را نیز کنار گذاشت که مذهب در نظر انسان‌های دیگر چنین جایگاهی داشته است. لذا به بررسی دوباره مضمون‌های مذهبی پرداخت تا جای پای منافع و انگیزه‌های قابل قبول برای ذهن‌های مدرن در مورد مذهب بیابد. مراجعه شود به:

Lewis, B. The Assassins, London; 1979; p. 136.

۳. اختلاف نظر مبانی فلسفی صاحب نظرانی چون ملاصدرا با افرادی چون کرکی نیز نشان می‌داد که تلاش شاه اسماعیل یک حرکت طبیعی به نظر نمی‌رسد (و یا سیاسی بودن آن تقویت می‌گردد).

۱. او عقیده داشت که علمای شیعه با تزویر پدرش را گول زده‌اند. مراجعه شود به محمد ابراهیم باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، انتشارات صفی علی‌شاه، ۱۳۵۷، ص ۳۴.

هفت شاه دیگر تداوم یافت که مهمترین و مؤثرترین آنها شاه عباس اول بود. او حدود ۴۱ سال از سال ۹۹۶ تا ۱۰۳۸ هجری (سال ۱۵۸۷ تا ۱۶۲۸) میلادی حکومت کرد و اقتصاد کشور در زمان وی رونق قابل توجهی داشت.

کشاورزی تقویت شد، مقرراتی برای زمین و آب تدوین گردید؛ امنیت تجاری افزایش و ارتباط تجاری با بسیاری از کشورها سامان یافت؛ اوقاف، تیول و اقطاع و سیورغال نظم جدیدی یافت. تیول و اقطاع زمین‌هایی بود که به امانت در اختیار صاحب منصبان قرار می‌گرفت که هنگام عزل از آنها پس گرفته می‌شد و سیورغال خالصه‌هایی بود که عمدتاً به اشخاص با نفوذ مثل روحانیان داده می‌شد. اوقاف در عصر صفویه به ویژه زمان شاه عباس نقش فراوانی داشت. بخشی از منافع اوقاف به افراد حفاظت کننده آن می‌رسید و بقیه آن برای امور عام المنفعه استفاده می‌گردید. مثلاً از موقوفه مسجد شاه اصفهان هزاران گرمابه عمومی و کاروانسرا راه‌اندازی می‌شد و زندگی مستمندان اداره می‌گردید. حفظ دامداری و مراتع عمومی، حفظ جنگل‌ها، امنیت جاده‌ها و کاروانسراها از دیگر خدمات زمان شاه عباس می‌باشد. یک جهانگرد اهل ونیز به نام «بار بارو» که در آن ایام یعنی در سال ۸۷۹ هجری (۱۴۷۳ میلادی) از برخی شهرهای ایران دیدن کرده بود، از رونق بازارهای ایران سخن رانده و آن را معلول امنیت حاکم در آن دیار اعلام کرده است.^{۵۲} همچنین در زمان شاه عباس در بین راهها برای استراحت تجار و کاروانها و مسافران، استراحت‌گاههای عمومی راه‌اندازی شده بود.^{۵۳} در عین حال برای جلب جهانگردان برخی از راههای اصلی در زمان صفویه سنگفرش شده بود که خود زمینه‌ای برای جذب توریست محسوب می‌شد. طبق مقررات عصر عباسی اگر اموال تاجر خارجی به هر نحو از بین می‌رفت مسؤول انتظامات منطقه باید پاسخگو بوده و نهایتاً غرامت آن را بپردازد.

۴-۱-۱- تجارت و توریسم

دو فعالیت اقتصادی مهم در عصر صفویان (بوئزه شاه عباس) تجارت و جهانگردی بوده است. علاوه بر امنیت تجار خارجی و فعالیت جذب توریسم در داخل، عناصر دیگری نیز در این زمینه حائز اهمیت بودند؛ یکی فراهم شدن تجارت بین المللی مربوط به فعالیت پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها می‌باشد. عصر صفوی در ایران در واقع عصر مرکانتیلیست‌ها (سوداگران) در اروپا می‌باشد. همچنین کشف راه دریایی به سوی هند توسط پرتغالی‌ها در قرن ۱۶ میلادی تأثیر زیادی روی تجارت با ایران داشت.^{۵۴} در سال ۹۱۳ هجری (۱۵۰۷ میلادی) آلبرکرک جزیره هرمز را به تصرف آورده که از آن به بعد به پایگاه تجاری پرتغالی‌ها تبدیل گردید. کمپانی هند شرقی در ۱۶۰۰ و کمپانی هلندی در ۱۶۰۲ میلادی وارد رقابت با پرتغالی‌ها شدند.

۲. مراجعه شود به سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، منبع ذکر شده، ص ۹۶.

۳. حالا که دهه اول قرن ۲۱ میلادی (۲۰۰۳) می‌باشد، آثار برخی از کاروانسراهای عباسی در مناطقی از کشور وجود دارد. شاردن و تاورنیه از تعداد بی شماری کاروانسرا در ایران در عصر عباسی نام می‌برند. به سفرنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد ۷ و ۸ مراجعه شود.

۱. واسکو دوگاما در سال ۱۴۹۸ میلادی راه دریایی به هند را اکتشاف نمود.

کمپانی هند شرقی با شاه عباس قرارداد مبادله ابریشم ایرانی با پارچه انگلیسی را در سال ۱۶۱۵ میلادی مدون ساخت. هلندی‌ها حتی در بندرعباس کارخانه ادویه سازی ساختند.

جالب توجه است که انگلیسی‌ها از تعصب شیعه‌گری صفویه بر علیه سنی‌گری عثمانی سوء استفاده می‌کردند. تعجب‌آور است که شاه عباس با مسلمانان غیر شیعه برخورد بسیار بدی داشت ولی با غیر مسلمانها (مسیحی و کلیمی) بسیار مدارا می‌کرد. در سال ۱۵۹۸ میلادی برادران شرلی از انگلیس وارد ایران شدند. آنها در کلیه امور نظامی و سیاسی دولت ایران دخالت می‌کردند. شاردن فرانسوی برای کسب گزارش از مساجد، دو روحانی شیعه را استخدام کرده بود از سال ۱۶۶۶ تا ۱۶۷۲ میلادی کم و بیش در ایران به فعالیت مشغول بوده است. معروف است که گزارشات شاردن از ایران در قالب ۱۰ جلد کتاب جمع‌آوری گردیده بود.^{۵۵}

در هر حال خارجی‌ها (بویژه انگلیسی‌ها) در اکثر دوران صفویه امتیازات قابل توجهی به بهانه‌های مختلف از ایران کسب می‌کردند. به گونه‌ای که خود انگلیسی‌ها مستقلاً از ایران ابریشم صادر می‌کردند. در عین حال آنها هم امنیت بنادر و هم رضایت شاهان و مسؤولان را تأمین می‌کردند. تنها در زمان شاه سلیمان صفوی بود که وزیر با تدبیری چون شیخ علی خان زنگنه به قطع قسمتی از امتیازات انگلیسی‌ها مبادرت نمود. جالب توجه است که در زمان صفویه حتی هلندی‌ها نیز کالاهای خود را بدون پرداخت عوارض گمرکی در ایران مبادله می‌کردند. کالاهای پرتغالی‌ها مصونیت قضایی داشت و محدودیتی (بجز خروج اسب از ایران) در مورد آن مطرح نبود. ابریشم، پارچه‌های زربفت، سنگ‌های قیمتی، پشم، توتون و خشکبار گونه‌هایی از کالاهای صادراتی ایران محسوب می‌شدند. وجود امنیت سراسری، زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران برای خارجی‌ها را فراهم کرده بود.

بازرگانان ایرانی اکثراً ارمنی بودند و با توجه به تسلط بر زبان خارجی کارایی آنها از بازرگانان مسلمان بیشتر بود. ده درصد قیمت اجناس بصورت حقوق گمرکی از صاحبان کالا کسر و در عین حال رقم ناچیزی نیز از تجار به عنوان حفاظت از راههای مبادلاتی اخذ می‌گردید.

۴-۱-۲- دیگر امور اقتصادی موفق در عصر صفویه

با وجودی که درآمد دولت در یک سال بالغ بر ۷۸۵،۶۲۳ تومان و ۸۸۰۹ دینار هزینه‌ها کمتر از ۴۹۱،۷۹۶ تومان و ۵۷۰۰ دینار بود. در نتیجه معمولاً نوعی مازاد بودجه در خزانه صفویان وجود داشت. در عین حال شاردن فرانسوی درآمد کل کشور ایران را به طور سالانه ۳۲ میلیون فرانک فرانسه گزارش کرده است.^{۵۶} انطباط شدید مالی به عنوان یکی از عوامل درآمدزایی در دوره صفویه ذکر شده است و مجازات‌ها برای تخلفات مالی، شدید بوده است. مثلاً وقتی حاکم قم در زمان شاه صفی برای تأمین هزینه تعمیر پل،

۲. همچنین میسو نرکاپوچی حدود ۵۰ سال (۹۶۰-۹۶۴) در ایران مطالعه کرد و برای دولت فرانسه (وزیر لویی چهاردهم) گزارش از کارکرد دولت ایران تهیه کرد.

۱. مراجعه شود به مینورسکی، سازمان اداری دوره صفویه، ترجمه مسعود رجب نیا، ۱۳۳۴ صص ۱۶۶ و ۲۲۸.

عوارضی از صاحبان کالاهای وارد شده به شهر - بدون هماهنگی با حکومت مرکزی - وضع کرده بود، به پایتخت فرا خوانده شد و اعدام گردید.^{۵۷}

همچنین ثبات سیاسی از عوامل ثبات اقتصادی دوره مذکور به حساب می‌آمده است. هم حاکمان ایالات و هم وزرا نوعاً انسانهای مقتدر و با تدبیری بودند و لذا امنیت و انضباط به مقدار زیادی تثبیت شده بود. البته شخصیت‌های با نفوذ هم در مناطق مختلف حاکم بودند. مثلاً...وردی خان در فارس و علی‌مردان خان در کرمان و قندهار حاکم بودند. امور مربوط به امنیت در آذربایجان به عهده محمدعلی بیگ ناظر بود. یکی از وزرای مؤثر در آن دوران حاتم بیگ اردوباری است. شیخ علی خان زنگنه از دیگر وزیران با تدبیر آن دوران است که آثار خدمات او در ثبات اقتصاد کشور مورد وفاق می‌باشد. میرزا ابراهیم (ناظر مالیه) از دیگر مدیران کار کشته است.

نظارت بر همه امور و حفظ استانداردها و پیشرفت کار با کمک برنامه‌ریزی از ویژگی‌های دیگر اقتصادی و مدیریتی دوره صفویه است.^{۵۸} رفاه عمومی و رونق اقتصادی باعث افزایش درآمدهای مالیاتی دولت نیز می‌گردید. کارخانه‌ها و مزارع و بازارها بسیار فعال و امیدوار، به فعالیت خود ادامه می‌دادند. تقاضای افراد و اصناف به سرعت و دقت بررسی و در مورد آن اتخاذ تصمیم می‌گردید. مثلاً به دستور شاه عباس در سال ۹۹۹ هجری (۱۵۹۰ میلادی) به خاطر شکایت عده‌ای از پرداخت عوارض دفن، عوارض مربوطه ملغی گردید و برخی از حرف معاف از مالیات اعلام گردیدند. پول ایران در آن دوره از اعتبار بین المللی برخوردار بود. تنظیم حقوق‌ها و دستمزدها از یک مسیر کارشناسی عبور می‌کرد.^{۵۹} در عین حال خروج طلا از کشور ممنوع بود.^{۶۰}

۴-۱-۳- دشواری‌ها و زمینه‌های سقوط اقتصاد صفویه

با وجود وضع رو به رونق اقتصاد صفویه، عواملی وجود داشت که باعث فقدان تحرک و پویایی آن شده، آرام آرام موجب سقوط اقتصاد و حکومت وابسته به آن گردید. فهرست وار می‌توان موارد زیر را در این رابطه برشمرد.

۱- وجود فکر ایستا در حکومت صفویه و بی‌توجهی به تحولات رو به پیش جهان، یک عامل کلیدی در حرکت به سوی سراسیمگی این سیستم به نظر می‌رسد. سران حکومت، هم نسبت به تحولات خارج بی‌اعتنا و در مواردی بی‌اطلاع بودند و هم در داخل، یک سیستم انتقادناپذیر و مطلقه‌ای را حاکم ساخته بودند. لذا در دوره مذکور با وجود ثروت فراوان، جریان‌سازی و پویایی در اقتصاد مطرح نبود؛ ولی توجه به

۲. واقعه مذکور که در سال ۱۰۴۲ هجری (۱۶۳۲ میلادی) صورت گرفته، موجب عبرت دیگر حاکمان گردید.

۳. یک نمونه کوچک، از پیشرفت‌های فرهنگی دوره صفویه آن است که مترجمی که با تاورنیه (جهانگرد معروف) کار می‌کرد به ۶ زبان خارجی مسلط بود.

۱. از نگاهبان معمولی دربار تا خود شاه حقوق معینی داشتند.

۲. همانطور که اشاره شد یک دلیل منع صادرات طلا در زمان صفویه می‌تواند در راستای اندیشه سوداگرایان اولیه توجه شود که بر اساس آن، طلا ثروت اصلی جوامع است. همانطور که ذکر شد، صفویان در ایران هم عصر سوداگرایان اولیه در اروپا بوده‌اند.

تجمل‌گرایی و کاخ‌سازی و گسترش حرمسرا و مراکز تفریح و شکار، اهمیت فوق‌العاده‌ای در زندگی حکام داشت. یکی از دلایل وجود مازاد درآمد در حکومت صفویه فقدان مکانیسم مورد نیاز جهت بهینه‌یابی هزینه‌های سرمایه‌گذاری از یکسو و انبار شدن و راکد شدن درآمد و ثروت از سوی دیگر بود. مثلاً در آشپزخانه شاه سه میلیون اکر طلا به کار رفته است و در تالارهای هنری وی چهارمیلیون، در منزل شخصی وی ۱۰ میلیون و در حرمسرای شاهی ۴ میلیون و قس علیهذا.^{۶۱}

۲- مطلب مهم و مرتبط با مطلب فوق وجود یک اندیشه صوفی‌گرایانه و تلقی خاص فقهی از دین، دشواری دیگر حکومت صفویه می‌باشد. اندیشه‌های فقهی و صوفی‌گرایانه و هر اندیشه‌ی تک‌سونگر دیگر از دین - هرچند در جایگاه خود اهمیت دارند ولی آنرا بر کل دین منطبق ساختن - مشکل آفرین خواهد بود. سیطره‌ی این دیدگاه باعث شد که حکومت یک هدیه الهی تلقی شود و لذا قدرت مطلقه شاهان گویی جنبه خدایی دارد و مقدس است و لا یسئل. در اینکه حکومت دینی می‌تواند پایگاه فلسفی و منطقی داشته باشد، تردیدی نیست، اما انطباق دیدگاه ایستا، فقهی، صوفیانه و امثال آنها، بر دین کارساز نخواهد بود. کم‌توجهی به بینش فلسفی - عقلی ملاصدراها و دادن بهای ویژه به دیدگاه فقهی کرکی‌ها در عهد صفویه می‌تواند با این موضوع مرتبط باشد.^{۶۲} در هر صورت حاکمیت این نگرش، دین را به ابزاری برای توجیه قدرت تقلیل می‌دهد. خلاصه روح ایرانی - اسلامی عقل‌گرا، در این دوره آسیبی اساسی به خود دیده است و یک مشکل این بوده که مسأله سلطنت و حکومت در قالب اندیشه‌ی فوق‌امری حل شده و دارای پایگاهی الهی تلقی شده است؛ بدون آنکه هیچ تحلیل منطقی، فلسفی و تاریخی پشتوانه‌ی آن باشد و بدون آنکه تبیین درستی از پیوند دیانت و سیاست به عمل آمده باشد.

۳- فساد درباریان بویژه در اواخر دوره صفویه، بی‌توجهی به وضع شهروندان - بخصوص ضعفاً آنها - ، رهاسازی نظام اداری، گسترش رشوه، بی‌توجهی به حقوق قشون نظامی، اختلاف طبقاتی شدید، نفوذ زنان و شاهزادگان بی‌کفایت در امور، جنگ‌های قبیله‌ای، پیدا شدن گروهی به عنوان روحانی درباری با امکانات (سیورغال) ویژه و جدایی آنها از توده مردم، بی‌انضباطی عمومی، دستگیری عده‌ای از متنفذان محلی، وجود ثروت فراوان و لذا وجود رفاه افراطی برای حاکمان، همه و همه زمینه سست شدن قوا و اضمحلال اقتصاد، ناامیدی و بی‌انگیزه بودن مردم را فراهم آورد؛ به گونه‌ای که آخرین شاه سلسله صفویه (شاه سلطان حسین) به راحتی در مقابل مهاجران افغان شکست خورد.

۳. شاردن فرانسوی می‌گوید که وی سینی طلای عمه شاه را خریداری کرده که ۶۰۰ اونس وزن داشته است.

۱. موضوع دین فقهی و دین فلسفی و بررسی و مقایسه نگرش ملاصدرا و نگرش کرکی، بحث مستقلی می‌طلبد. تفکر فقهی کرکی سلطنت و خالقیت الهی را یک کاسه می‌کند و نهایتاً سلاطین نیز به عنوان ولی امر شناخته خواهند شد و تأمل عقلانی، تدبیر و پویایی از آن رخت بر می‌بندد. اندیشه صوفی‌گرایانه همچنین توسط اما محمد غزالی تقویت گردید. در هر حال متفکرانی از اسلام چون ابن رشد، کندی، فارابی، بوعلی سینا و ملاصدرا اهمیت تحلیل عقلانی در تفکر دینی را نشان می‌دهند. این موضوع حداقل تا آستانه حمله مغول نوعی پویایی به تفکر ایرانی - اسلامی می‌داد. با کنار گذاردن عقاید این سلسله و حاکمیت اندیشه اخباری‌گری در اهل تشیع و اشعری‌گری در اهل تسنن، تصوف و ظواهری از عرفان به عنوان دین بر اندیشه‌ها حاکم گردید. بخشی از رکود فکری جامعه ایرانی - اسلامی در عصر صفویه و حتی پس از آن مربوط به این فرایند می‌باشد.

در هر صورت در دوره صفویه نیز تا زمانی که مدیران لایقی در مصدر امور بودند و انضباط در مالیه عمومی وجود داشت، بخش خصوصی هم خوب فعالیت می‌کرد و اقتصاد جامعه نظام‌مند بود. اما مشکل نگرش ایستایی و نگرش فاقد تحلیل، ایدئولوژی موجود در پشتوانه سلطنت و خدایی تصور کردن سلطان را می‌توان از جمله عوامل اساسی سقوط این دولت برشمرد.

۴-۲- تاریخ اقتصاد و سیاست ایران در عصر قاجار

در سال ۱۱۳۴ هجری (۱۷۲۲ میلادی) حکومت صفویه توسط افغان‌ها ساقط گردید. با این وصف افغانها نتوانستند حکومت با دوامی در ایران داشته باشند و نهایتاً در ۱۱۴۲ هجری (۱۷۳۰ میلادی) توسط نادر شاه افشار شکست خوردند. نادر شاه تا سال ۱۷۴۷ میلادی بر ایران حکومت کرد، اما هیچگاه نتوانست اوضاع با ثباتی را فراهم آورد و پیوسته در حال جنگ با قبایل و ایلات و بازماندگان صفویان و افغانها بود. او از نظر شخصی بقدری ظالم بود که حتی به اعضای خانواده خود هم رحم نمی‌کرد. نادر شاه سرانجام توسط نیروهای نزدیک به خود به قتل رسید.

در میان هرج و مرج پس از قتل نادر، یکی از نیروهای متعادل از لشگر او به نام کریم خان زند حکومت را در دست گرفت. وی یک پادشاه آرام و میانه‌رو بود و اصولاً دنبال تنش با دشمنان داخل و خارج نبود. پس از مرگ کریم‌خان زند در ۱۷۷۹ میلادی، برخی دیگر از شاهزادگان زند حکومت را در دست گرفتند ولی هرگز نتوانستند حکومت مرکزی واحدی را سامان دهند تا اینکه افرادی از ایل قاجار با شکست آخرین حکمران زند، حکومت را در دست گرفتند.

اولین حاکم قاجار آقامحمد خان می‌باشد که با وجود حاکم شدن در سال ۱۷۷۹ میلادی، حدود سالهای ۱۸۰۰ میلادی (۱۷۹۶ میلادی) خود را شاه ایران معرفی نمود. سلسله قاجار تا سال ۱۳۰۴ هجری شمسی (۱۹۲۵ میلادی) در ایران حاکم بود که در آن سال رضا خان میرپنج در مقام شاهی ایران سلسله پهلوی را بنیان نهاد. همان طور که اشاره خواهد شد با وجودی که در زمان قاجار پیشرفت و تحول اساسی به نفع مردم صورت نگرفت، در عین حال می‌توان آن را نوعی رنسانس در اقتصاد و سیاست ایران تلقی کرد.^{۳۳}

پس از قتل آقا محمدخان، حکومت به دست فتحعلیشاه رسید که از ۱۷۹۷ تا ۱۸۳۴ میلادی بر سر قدرت بود. پس از فوت او (در سال ۱۸۳۴ میلادی)، سلطنت محمدشاه قاجار آغاز شد که تا سال ۱۲۶۴ هجری (۱۸۴۷ میلادی) طول کشید. سومین شاه معروف قاجار ناصرالدین شاه می‌باشد که پس از مرگ محمد شاه در ۱۸۴۷ تا ۱۸۹۵ میلادی شاه ایران محسوب می‌شد. او در سال ۱۳۱۳ هجری (۱۸۹۵ میلادی) به قتل رسید و مظفرالدین شاه تا سال ۱۳۲۴ هجری (۱۹۰۶ میلادی) بر جای وی نشست. محمد علی شاه (در

۱. قابل توجه است که در اروپا از آغاز قرن ۱۶ م. حرکت رنسانس به طور جدی تأثیر گذار بوده که مصادف با آغاز دولت صفویه در ایران است. اما همان طور که اشاره شد دولت صفویه از تحولات اروپا به میزان زیادی عقب بود. و لذا می‌توان اواخر قرن ۱۸ م. (شروع دوره قاجار) را ابتدای تأثیرپذیری ایران از رنسانس تلقی کرد.

سالهای بین ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ (تا ۱۹۰۹ میلادی) و احمد شاه (از ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۴ میلادی)، سلطنت آخرین دوران حکومت قاجاریان را سپری کردند.

ارتباط فراگیر ایران با غرب، انقلاب مشروطه، وقوع جنگ جهانی اول و آغاز استفاده از نفت از وقایع مهم در دوره قاجار محسوب می‌شوند. دوره آقا محمد خان عمدتاً به درگیری برای تثبیت حکومت سپری گردید. در زمان فتحعلیشاه جنگ‌های ایران و روس و ایران و عثمانی واقع شد و شاه به قراردادهای زیانبار گلستان و ترکمنچای تن داد. یک موضوع کلیدی در زمان ناصرالدین شاه صدارت امیر کبیر و موضوع دیگر نزدیکی گسترده‌تر ایران با غرب می‌باشد. در دوره مظفرالدین شاه واقعه مهم مشروطه مطرح می‌گردد که آثار و پیامدهای مربوط به آن تا پایان دوره قاجار و حتی پس از آن نیز ادامه یافت. ابتدا به تحولات عمومی اقتصاد ایران در دوره قاجار می‌پردازیم و سپس به مقوله مشروطه و پیامدهای مربوط به آن اشاره می‌کنیم.

۴-۲-۱- تحولات عمومی

گسترش ارتباطات ایران با سایر کشورهای جهان، رشد مطبوعات داخل و خارج، گسترش سطح سواد و فرهنگ از ابتدای قرن ۱۹ میلادی، آگاهی عمومی در ایران و بسیاری از کشورها را بالا برده بود؛ در عین حال ناکارآمدی‌های قابل توجهی نیز موجود بود؛ زمینه‌های مذهبی باقی مانده از دوران صفویه به قدرت خود باقی بود؛ حکومت قاجار نیز مطلقه تلقی شد. امنیت کافی برای شهروندان وجود نداشت؛ توجهی به قانون صورت نمی‌گرفت؛ برخی افراد متنفذ برای احیای حقوق خود و عدم دستگیری توسط حکومت به سفارتخانه‌های خارجی پناهنده می‌شدند؛ مردم به حکومت اعتماد زیادی نداشتند و خود شاهان و شاهزادگان و صاحب منصبان نیز به یکدیگر بی‌اعتماد بودند. نفوذ گروههایی از علما نیز در دربار قابل توجه بود؛ در عین حال گروهی دیگر از علما، حکام قاجار را غیر قانونی می‌دانستند. پیوند گروهی از علمای دین با حکومت صمیمی بود و گروهی از آنان اصولاً درگیر در امر حکومت نمی‌شدند. نفوذ تجار و بازاریان حرفه‌ای نیز در حکومت قاجار قابل توجه بود و معمولاً در هر شهر بزرگ یک بازاری معروف که از سوی حکومت به حل و فصل امور بازار می‌پرداخت ملک‌التجار نامیده می‌شد. در عین حال تجار بزرگ، هم در تحولات سیاسی - اجتماعی کشور نقش آفرین بودند و هم در مقاطعی به توسعه اقتصاد سنتی مبادرت می‌ورزیدند.^{۶۴}

از لحاظ اقتصادی از سال ۱۸۳۴ میلادی به بعد در ایران نوعی گسترش در تجارت خارجی واقع گردید. خدمات پستی بهبود یافت، جاده‌ها و ارتباطات توسعه نسبی پیدا کرد. با افتتاح کانال سوئز پس از سال ۱۸۶۹ میلادی کشتی‌رانی بین ایران و اروپا توسعه پیدا کرد. ایجاد بانک‌های روسی و انگلیسی مبادلات مالی را گسترش داد. پس از انقلاب مشروطه در سالهای ۱۲۸۵-۱۲۸۴ هجری شمسی (۱۹۰۶ - ۱۹۰۵ میلادی) مجموعه ارتباطات و فعالیت‌های فوق با سرعت بیشتری توسعه پیدا کرد.

۱. می‌توان مراجعه کرد به: لمون آن کاترین سواين فورد، نظریه دولت در ایران، ترجمه جنگیز پهلوان، نشر گویو، ۱۳۷۹.

در عین حال ایران عهد قاجار برای رسیدن به یک سطح استاندارد از پیشرفت در همه عرصه‌ها مقدار زیادی عقب بود. نظام آموزشی ناکارآمد، وجود در صد بالای بی‌سوادی، سیستم اداری و حکومتی فاقد انضباط و کارایی، فقدان آمار کافی، نظام مالیاتی بسیار ضعیف و سنتی، نظام بهداشتی عقب مانده، جمعیت روبه رشد، دستگاه آبیاری قدیمی همه و همه اقتصاد ضعیفی را تشکیل می‌دادند. لذا در برخی سالها بسیاری از مردم به خاطر بیماری و تعداد زیادی به خاطر قحطی از بین می‌رفتند. با گسترش تجارت و ارتباطات با کشورهای پیشرفته، قشر واسطه‌های مالی و بازاری‌های جدید نیز به این مجموعه افزوده شد.

همچنین در این دوره مالکان و خان‌ها نسبت به قشر کشاورز نوعی سازمان دیوانسالار راه‌اندازی کرده بودند. تجار، واسطه‌ها و خان‌ها با حاکمان سیاسی رابطه خوبی داشتند. وضع دهقانان در عهد قاجار، وخیم بود و اصولاً قابل مقایسه با دهقانان زمان صفویه نبود. در مقابل، تجار و خانها از سطح زندگی بالاتری برخوردار بوده و فرزندان آنها به تحصیلات عالی دسترسی داشتند.^{۶۵} در سال ۱۹۰۳ به گمرکات کشور سر و سامانی داده شد که باعث تسهیل تجارت بیشتر با خارج شد. در عین حال دولت‌های خارجی (بویژه روس و انگلیس) همواره در صدد حفظ منافع کشور خود، به زیان ایران پیش می‌رفتند. واردات ایران رو به گسترش بود و انگلیسی‌ها و روسی‌ها حقوق گمرکی زیادی بر ایرانی‌ها تحمیل می‌کردند و این باعث نارضایتی وسیع بازرگانان ایرانی شده بود. بی‌انضباطی و حرکت انفعالی دولتمردان عملاً به تشویق اجحافات خارجی‌ها نسبت به ایرانی‌ها منجر می‌شد.

یکی از دشواری‌های جدی اقتصاد ایران در آن زمان که هنوز هم تا حدودی ادامه دارد، مسأله راهها می‌باشد. تقریباً تا قبل از جنگ جهانی اول، حمل و نقل ایران با استفاده از حیوانات انجام می‌شد. نایب رئیس شرکت نفت انگلیس در سال ۱۹۱۱ میلادی مهمترین ابزار برای متمدن سازی ایران را راه‌آهن می‌دانست و این حرف نسبتاً درستی است. خط آهن ایران زودتر از سال ۱۹۲۰ میلادی عملاً راه‌اندازی نشد.

تقویت خطوط تلگراف و کشتیرانی گشایش قابل توجهی در اقتصاد ایران محسوب می‌گردید. نزدیک جنگ جهانی اول استفاده از اتومبیل در ایران رایج گردید. این امر هم تحول جدیدی در محدوده خود به حساب می‌آید. راه‌اندازی کشتی‌رانی در دریای خزر و دریای ارومیه نیز برای مناطق شمال و شمال غرب راهگشا بود. البته کشتی‌های این دو منطقه توسط خارجی‌ها اداره می‌شدند. در ۱۸۳۶ میلادی نیز کشتی بخار در خلیج فارس راه‌اندازی شد.

یکی از مشکلات کشاورزی آن روز مثل امروزه آب بود. آب نیمی از کشاورزی ایران توسط قنات تأمین می‌گردید اما متأسفانه حدود ۲۵ درصد قنات‌ها متروک شده بودند. مالکیت ارضی در ایران بیش از اندازه پیچیده بود و این هم بر کارایی اقتصاد کشاورزی اثر منفی داشت. با وجود همه این دشواری‌ها تولید و

۱. حتی در سال ۱۸۹۴ میلادی، روزنامه حبل‌المتین به عنوان ارگان تجار بصورت هفتگی منتشر می‌گردید.

تجارت کالاهایی چون پنبه، خشخاش، برنج، ابریشم، تنباکو، شکر، میوه‌جات، شیلات و چندین کالای کلیدی دیگر بین ایران و چند کشور اروپایی برقرار بود.^{۶۶}

صنایع دستی ایران در رقابت با صنایع ماشینی اروپا مدتها عقب ماند و بسیاری از بازارهای خود را از دست داد. از سال ۱۸۴۴ میلادی تجار و صاحبان صنایع دستی برای شاه نامه‌ای نوشتند و خواستار حمایت از صنایع داخلی از سوی دولت شدند. تا زمان امیر کبیر نه به نامه‌ها و شکایت‌های فوق پاسخ داده شد و نه اقدامی در این رابطه از سوی دولت صورت گرفت. با وجود این، بازارهای ایران به تلاش خود ادامه داده و محصولات خود را به هند، عربستان، روسیه، ترکیه و چند کشور اروپایی محصولات خود را صادر می‌کردند. گزارش تولید قابل توجه صنایع دستی در کاشان، اصفهان، یزد، بوشهر، بندرعباس، شیراز، کرمانشاه و همدان توسط یک پزشک آلمانی، سند ارزشمندی از تلاش تولیدکننده ایرانی محسوب می‌شود.^{۶۷}

۴-۲-۱-۱- اصلاحات امیرکبیر در صنعت و تولید

میرزا تقی خان امیرکبیر اولاً مدیری بود که با زحمت و تلاش و به طور طبیعی و با توجه به لیاقتش به صدارت نایل آمد. در ثانی قبل از قبول صدارت به مطالعه کارکرد بسیاری از اصلاح طلبان دیگر کشورها پرداخته است. ثالثاً از شناخت کافی و همه جانبه‌ای از اقتصاد داخل کشور و رفتار خارجی‌ان نیز برخوردار بوده است. او عقیده داشت بایستی در داخل ایران کارخانه‌ها راه‌اندازی شود تا نیاز به واردات کاهش یابد. لذا زمینه تاسیس کارخانه‌های شکرسازی، کاغذسازی، چینی‌سازی، نساجی، بلورسازی و امثال آنها را در شهرهای مختلف فراهم ساخت. وی همچنین گروهی از صنعتگران را به خارج از کشور فرستاد تا آموزش‌های جدید صنعتی را فراگیرند. او با در اختیار قرار دادن امکانات اولیه، از ایرانی‌ها خواست محصولات مشابه خارجی را تولید کنند. این حمایت موجب دلگرمی و باعث خلاقیت بیشتر صنعتگران می‌شد.^{۶۸}

با راهنمایی میرزا کم‌کم یک مجمع صنعتی شکل گرفت که امور صنعتی را حل و فصل می‌کرد و به موازات آن گروهی را برای استخراج معدن مأمور کرد و امکانات کافی در اختیار آنان قرار داد. سپس در زمینه‌های صنایع فرش، شیشه و امثال آن هم تلاش‌هایی کرد که در نتیجه آنها محصولات به دست آمده با چند کشور خارجی (از جمله تایلند) قابل رقابت گردید.

۲. برای اطلاع کافی از دشواری‌های کشاورزی در ایران می‌توان مراجعه کرد به: آن کاترین لمپتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲.

۱. مراجعه شود به: Charles Issawi; Opcit; 1971; pp. 268-291

۲. به دنبال این دلسوزی امیر کبیر، حاج محمد حسین کاشانی نوعی ماهوت قابل رقابت خارجی تولید کرد. استاد حسن تبریزی صندوق خزانه را ساخت و بانو خورشید قهرانی، نمونه سردوشی تولید کرد و محصول مورد نیاز ۵ سال ارتش را تهیه نمود.

حکام قاجار به پاس این خدمات ملی و این تلاشهای مخلصانه و مدبرانه، میرزا را برکنار کردند و کسانی را به جای او گماردند که به قول یک مورخ خارجی: «امتیاز تمام معادن و سایر ثروت‌های طبیعی ایران را یک کاسه به خارجی‌ان تحویل داد».^{۶۹}

از سال ۱۹۱۴ میلادی به بعد استخراج نفت مسأله تازه‌ای در اقتصاد ایران محسوب می‌گردید که از آن وقت به بعد طلای سیاه بلای اقتصاد گردید که درد ناشی از آن هنوز (که وارد قرن ۲۱ شده‌ایم) احساس می‌شود. از ابتدا دست خارجی‌ها به طور جدی در مسأله نفت مطرح بود. در امور مالیه نیز بی‌اعتباری پول ملی، افزایش قرضه و بدهی دولت به خارجی‌ها و حاکمیت بانک‌های انگلیسی و روسی پیامدهای آشکار در اقتصاد قاجار محسوب می‌شوند. در عین حال منبع درآمدی دولت هنوز مالیات بود. هنگام تاسیس مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۲ هجری (۱۹۰۶ میلادی) تلاش‌های اصلاح طلبانه‌ای در مقررات مالی صورت گرفت (که در زیر بخش بعدی اشاره خواهد شد). اولین قرض دولت ایران از خارجی‌ها در سال ۱۸۹۲ میلادی صورت گرفت که تماماً به عنوان غرامت به یکی از شرکت‌های انگلیسی پرداخت گردید و تنها ثمره آن متعهد شدن ملت ایران به بازپرداخت اصل و بهره آن گردید.

۴-۲-۲- ملاحظات اقتصادی - اجتماعی دوره قاجار پس از انقلاب مشروطه

با گذشت دوره قاجار، آگاهی مردم نسبت به کارکرد حکومت بیشتر می‌شد و بی‌کفایتی حکام نیز بیشتر آشکار می‌گردید. این دو پدیده زمینه‌های اولیه برای قیام مشروطه محسوب می‌شوند. ننگین‌ترین قراردادها در طول تاریخ و تمدن ایران در این دوران منعقد گردید. ابتدا در سال ۱۸۱۴ میلادی با قرارداد گلستان چند ایالت قانونی ایران به روس تحویل داده شد (گرجستان، باکو، دربند، شروان، قره‌باغ، شکی و گنجه از جمله اینها بودند). ۱۵ سال بعد یعنی سال ۱۲۴۳ هجری قمری (۱۸۲۹ میلادی)، نیز مقرر شد ایالات ایروان، نخجوان و اردوآباد به روس واگذار گردد. این ایام دوران حکومت فتحعلیشاه یکی از بی‌کفایت‌ترین حکام قاجار بود.^{۷۰}

پس از وی محمد شاه ۱۴ سال دیگر حاکم بود که به دنبال او ناصرالدین شاه به سلطنت رسید. دوران ناصری یکی از تاریک‌ترین دوران حکومت و سلطنت در ایران می‌باشد. در این دوران اعتراضات و نارضایتی‌های مردم از اوضاع بیشتر شد. دو عنصر علامت دهنده بی‌کفایتی ناصرالدین شاه برای همیشه در تاریخ ایران ثبت گردیده است. یکی بر خورد نامتناسب با یکی از شریف‌ترین مدیران یعنی امیرکبیر و دیگری

۱. به نقل از Issawi داریم:

He Offered to Baron Reuter the entire right over the mines and other resources of Iran (Charles Issawi; opcit ; p. 296).

۲. فتحعلیشاه ۳۷ سال حکومت کرد و این یکی از طولانی‌ترین حکومت‌ها در ایران محسوب می‌شود. البته ناصرالدین شاه طولانی‌تر از فتحعلیشاه و نزدیک به ۵۰ سال بر مردم ایران تحمیل گردید.

۳. در فتنه خراسان که مهاجمان به نیروهای دولتی حمله کردند، سفرای روس و انگلیس تقاضای وساطت و حل مسأله را کردند، امیرکبیر تصریح کرد که: «مردم خراسان حاضرند کشته شوند ولی حل مشکل مملکت را به بیگانه نسپارند».

تسلیم محض ایران به کشورهای بیگانه در همان دوران می‌باشد. امیرکبیر در بی‌انضباط‌ترین شرایط، صدارت را به عهده گرفت. به طوری که انواع فتنه‌ها در ایران سر بر آورده بود. بسیاری از تیول داران و رانت‌خواران (با حمایت حاجی میرزا آقاسی) بر دربار حاکم بودند. خارجی‌ها هرگونه می‌خواستند در امور کشور دخالت می‌کردند. میرزا با جدیت تمام به اصلاح امور پرداخت. ابتدا دستور داد تمامی القاب (از جمله مربوط به خودش) از سلسله مراتب اداری حذف گردد. ثانیاً مسیرهای رشوه و رانت‌خواری و هدایا و حقوق‌های شاهانه را مسدود ساخت. پرداخت‌ها بر اساس کفایت مدیریتی تنظیم گردید. به خزانه سامان داده شد، با ایجاد نظم مالی و قطع حقوقها و هدایا و رانت‌ها و هزینه‌های غیر ضروری، وضع مالی کشور را بهبود داد. با ایجاد امنیت امور تولید و تجارت و سرمایه‌گذاری بهبود جدی یافت. به موازات این اقدامات به چاپ کتاب و انتشار روزنامه و مجله همت گماشت. سیستم آموزشی مناسب با تحولات جدید دنیا را راه‌اندازی و مدرسه دارالفنون را تاسیس نمود و به جای رفتن ایرانی‌ها به خارج از کشور، از استادان خارجی برای تدریس ایرانی‌ها در آن مدرسه دعوت نمود. با هشدار به سفرای روس و انگلیس از دخالت آنان در امور کشور جلوگیری کرد و اعلام کرد که روابط با خارجی‌ها بایستی با توجه به خواست و اراده و در راستای منافع ملت ایران صورت گیرد. او به بازار، کاروانسراها، راهها، صنعت و کشاورزی انسجام و سامانی جدید داد. خلاصه وی تازه آماده انجام اقدامات جدی به نفع ملت گردید که شاه بی‌کفایت در مقابل خواست رانت‌خوارانی چون میرزا آقاخان نوری و ساده لوحانی چون مادر شاه و دیگر همکارانشان تسلیم شد و امیر را برکنار و سرانجام تبعید نمود.

مهره‌های مورد نظر مادرشاه یکی پس از دیگری صدر اعظم شدند و اوضاع روز روز سیر قهقربایی طی می‌نمود. موضوع نهایتاً منجر به دادن امتیاز ننگین انحصار توتون به انگلیس گردید که اولین قیام مردمی و دینی علیه آن در قالب واقعه رژی صورت گرفت. حرکت مردم به رهبری آیت‌... شیرازی در واقعه رژی خاکریز مستحکمی برای مشروطه ایجاد کرد و این باور را به وجود آورد که می‌توان در مبارزه با استبداد موفق شد. روز به روز فساد دربار بیشتر می‌شد و اصلاح طلبانی چون سیدجمال‌الدین در این رابطه به علما هشدار می‌دادند. این تلاشها پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و در طول حکومت مظفرالدین شاه (بین سال‌های ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۶ میلادی) ادامه یافت و در نتیجه مبارزه مداوم ملت و همراهی علمای آگاه، قیام مشروطه آفریده شد.

فرد مستبد و ناآگاهی چون عین‌الدوله مصدر امور مظفرالدین شاه را به عهده داشت. جالب است که وی امور مذهبی و مسائل مربوط به روحانیت را به شیخ فضل‌الله نوری سپرده بود که مورد تایید علمای روشنفکری چون سید محمد طباطبایی و سید عبدا... بهبهانی و همچنین عامه مردم نبود. عین‌الدوله در مقابل اعتراضات مردمی به جای توجه به آنها به مقابله برخاست و سیدجمال‌الدین اسدآبادی را تبعید نمود. در عین حال مسأله مشروطه ریشه‌های عمیق‌تری نیز دارد. حکام قاجار در این رابطه دچار نوعی پارادوکس شده بودند. زیرا از یک سو قیام مربوطه با روحیه مستبدانه و دنیا مدار آنها سازش نداشت و از سوی دیگر حرکت

مربوطه جنبه ملی - مردمی و دینی داشت و آنها نیز چون خود را سایه خداوند در روی زمین می‌دانستند، لذا حداقل بایستی به مذهبی بودن تظاهر می‌نمودند. از سوی دیگر علمای متعهد حامی و هدایت کننده مردم، وابسته به دربار نبوده و مورد توجه توده مردم بودند.^{۷۱} قشر بازاری و کسبه به طور اساسی با ندای علمای متعهد فعالیت خود را تغییر می‌دادند و بازار را باز و یا در صورت لزوم بسته نگاه می‌داشتند. در کنار مجموعه عناصر فوق و فقدان انضباط و ناامنی و ضعف حکومت مرکزی، اوضاع زندگی اقتصادی مردم نیز نابسامان بود. ارزش پول ملی بسیار پایین و تورم بالا، رباخواری در جامعه رایج و بهره رسمی پول نیز بالا بود. فشار استقراض خارجی سنگینی خاصی بر دوش ملت داشت و فقر و شکاف طبقاتی گسترش یافت.

مردم کم‌کم بحث از عدالت، آزادی و رهایی از استبداد را مطرح می‌کردند و در سال ۱۹۰۴ میلادی مردم و علما تصمیم به مبارزه مستقیم برای براندازی حکومت گرفتند؛ در سال بعد علیه مدیرخارجی گمرک اعتراضات وسیعی صورت گرفت. مجموعه تلاش‌ها و مبارزات فوق منجر به پذیرش مفاد قیام مشروطه در سال ۱۹۰۶ میلادی گردید که تشکیل اولین مجلس شورا و تدوین قانون اساسی حافظ مصالح ملی، دینی، استقلال، عزت ایرانی - اسلامی و رفع ید بیگانگان از سوی مظفردالدین شاه امضاء شد.

پس از درگذشت مظفردالدین شاه، مستبد دیگری چون محمدعلی شاه حاکم شد که تلاش‌های وی برای نابودی قدرت ملی و مردمی و انحلال مجلس با شکست روبرو شد و سرانجام به جای او احمد شاه به سلطنت نشست که تا سال ۱۹۲۴ میلادی حاکم بود.

۱. اصولاً هرگاه علمای دین در دایره اسلام حرکت می‌کنند و تقوی و خلوص واقعی را رعایت می‌کنند و آلوده به دنیا نمی‌شوند، مورد عنایت ویژه مردم خواهند بود. سرجان ملکم می‌گوید علمای متعهد همواره تلاش داشته‌اند خود را از حکام به دور بدارند تا اعتبار آنها در نزد مردم حفظ شود. آنها با آرای خاموش مردم انتخاب می‌شوند تا مرجع آنان در امور اخروی و حامی آنها در مقابل حاکم باشند. این امر است که پادشاهان را وادار می‌کند تا هرچند به صورت ظاهری هم شده خود را مدافع آنها نشان دهند. مراجعه شود به:

Malcolm, Sir John; History of Persia; London; Vol. II; p.316.

۵- دوره پهلوی و جمهوری اسلامی

ابتدا گزارشی از کارکرد اقتصاد در دوره پهلوی ارائه می‌شود. سپس چگونگی شکست تئوری تعدیل در اقتصاد جمهوری اسلامی بیان می‌شود. در قسمت پایانی جمع‌بندی کل مقاله ذکر خواهد شد. رضا خان بین سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی (۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ میلادی) و محمدرضا از ۱۹۴۱ تا ۱۹۸۰ میلادی بر ایران حکومت کردند. با وجودی که رضاخان پهلوی از سال ۱۳۰۴ شمسی پادشاه ایران محسوب می‌شد، اما تا ۱۹۳۴ میلادی هنوز بر اوضاع کاملاً مسلط نشده بود. یکی از اقدامات اولیه رضاخان تقویت شدید ارتش بود. محققان خارجی می‌نویسند که در زمان او تقریباً تمامی درآمدهای نفتی ایران صرف تجهیزات نظامی گردیده است.^{۷۲} این مساله تا حدودی دورنمای کارکرد اقتصاد ایران در زمان وی را نشان می‌دهد. یکی از کارهای فراگیر رضاخان - به هر دلیل - مبارزه با ظواهر دینی و مخالفت با علما بود. او هر جا رد پای از روحانی و یا دیگر مظاهر دینی در امور کشور پیدا بود خاموش می‌کرد و به همراه آن اقدامات، دستورات افراطی وی برای غربی شدن مردم نیز مزید بر علت بود. رضاخان حتی امور ازدواج و طلاق را هم از روحانیان گرفته و در اختیار دادگاهها قرار داد. یکی دیگر از این دستورالعملهای افراطی اجباری شدن کلاه پهلوی در سال ۱۹۲۸ م بود. سال ۱۹۳۶ م کشف حجاب صورت گرفت و پوشیدن لباس اروپایی برای زنان و مردان ایرانی الزامی شد.^{۷۳} در هر حال انجام برنامه‌های به اصطلاح، اصلاحات و نوسازی رضاخان به قیمت کاهش بسیاری از آزادی‌ها همراه بود. قدرت همچنان به صورت استبدادی اعمال می‌گردید. به قول پرفسور لمپتون هیچ مرجع بی‌طرفی یافت نمی‌شد که بتوان به آن شکایت کرد. هر نوع دگراندیشی در معرض سرکوب بود و اصولاً استبداد نمی‌تواند دیگراندیشی را تحمل کند. فشار و اجبار و زور ابزار رضاخان بود و این امر بی‌اعتمادی و هراس را در جامعه دامن می‌زد. برخورد با وطن دوستان مسلمانی چون آیت‌ا... مدرس خشم بیشتر آزادی‌خواهان را علیه شاه برانگیخت. در عین حال در برخی مناطق نوعی امنیت ملی برقرار گردید، اصولاً شهرهای ایران تا سال ۱۹۳۴ م دروازه داشتند. با بسیاری از راهزنان جاده‌ها برخورد سختی صورت می‌گرفت. روستائیان از حملات عشایر تا حدودی در امان ماندند. واردات و صادرات یک نظم نسبی به خود گرفت و سعی کلی، جلوگیری از واردات کالاهای غیر ضروری بود.

در سال ۱۹۳۰ م قانونی برای تغییر در امور پول ایران از پشتوانه نقره به طلا و از واحد قران به ریال وضع گردید. تجارت خارجی در سال ۱۹۳۱ م به انحصار دولت درآمد. در سال ۱۹۳۶ م کنترل رسمی بر ارز اعلام گردید. برای حمایت از صنایع داخلی اقداماتی در گمرکات و غیر آن صورت گرفت. در سال ۱۹۲۴ م

۱. بیان صریح برخی از آنها قابل تامل است:

During the reign of Riza shah, almost all government oil revenue were spent on military equipment (Issawi, charles; opcit; p.374).

۲. محقق برجسته و ایران شناس معروف پرفسور لمپتون می‌گوید که در ایام کشف حجاب در ایران به سر می‌بردم و شاهد بودم که پلیس جادر از سر زنان می‌کشید و آنان با گریه و زاری به گوشه‌ای فرار می‌کردند. در هر حال رفتار مردم نسبت به این مساله مبهم و دو پهلو بود (مراجعه شود به لمپتون، نظریه دولت در ایران، منبع ذکر شده، صص ۱۹۶ - ۱۹۵).

ورود ماشین‌آلات کشاورزی و صنعتی برای مدت ده سال و در سال ۱۹۳۴ م. برای مدت ده سال دیگر از حقوق گمرکی معاف گردید. در سال ۱۹۳۲ م. ماشین‌آلات کشاورزی، حتی از مالیات راهداری نیز معاف شدند. بانک‌های کشاورزی و صنعتی که در سال ۱۹۳۲ م. تأسیس شدند، به مؤسسات تولیدی وام می‌دادند. مدارسی طراحی شد که در آن کارگران به کسب مهارت و آموزش جدید مسلح می‌شدند. دستگاههای نساجی از ۵ واحد در سال ۱۹۲۰ م. به ۲۲ واحد در سال ۱۹۳۷ م. افزایش یافت.^{۷۴} توسعه کارخانه‌های ذوب فلز، تصفیه پنبه و شکر و استخراج معادن به گونه‌ای توسعه پیدا کرد که قسمت اعظم نیاز داخلی را پوشش می‌داد.

رضاخان با سرمشق قرار دادن آتاتورک (رهبر ترکیه) دنبال تقویت صنعت به قیمت تضعیف کشاورزی بود. لذا تنها بخش‌هایی از کشاورزی بهبود می‌یافت که مواد واسطه بخش صنعتی را تأمین می‌کرد. در نتیجه تولید ابریشم، توتون، چای، پنبه و چغندر قند در اولویت بودند. در سال ۱۹۲۵ م. مدرسه عالی کشاورزی تأسیس شد که در آن از استادان خارجی برای آموزش نیروی کار داخل استفاده می‌شد. در عین حال بی‌توجهی به کشاورزی از اشتباهات بزرگ دولت محسوب می‌شود زیرا باعث شد که در سالهای ۳۷ - ۱۹۳۶ م. هزینه زندگی شدت بالا برود. بار این هزینه عمدتاً روی دوش اقشار فقیرتر و با درآمد ثابت بود. مطالعات نشان می‌دهد که تلاش‌های تحت نام اصلاحات ارضی رژیم پهلوی در کشاورزی تنها باعث در اختیار گرفتن بخش‌هایی از زمین‌های مردم توسط شاه و دیگر خان‌ها گردیده و ثمره مهم دیگری در بر نداشته است.^{۷۵}

۵-۱- تحولات سیاسی اقتصادی از سال ۱۳۲۰ شمسی به بعد

در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۴ م. تحولات دیگری در ایران رخ داد. در سال ۱۹۴۱ م. انگلیس و روس در سال ۱۹۴۳ م. آمریکا به بهانه جنگ جهانی به اشتغال ایران مبادرت کردند. شاه استعفا داده و تحت الحفظ نیروهای انگلیس به جزیره موریس اعزام شد که در سال ۱۹۴۴ م. در آنجا درگذشت. اوضاع در ایران نابسامان‌تر شد. علاوه بر بحران سیاسی دشواری‌های اقتصادی زیادی نیز رخ داد. با توجه به وخامت تولیدات کشاورزی و سوء استفاده خارجی‌ها از منابع اقتصادی ایران، قیمت کالاهای اساسی به شدت بالا رفت. در عین حال آمریکایی‌ها برای تسهیل جنگ با آلمان و انتقال نیرو و مهمات به آنجا، جاده‌های آسفالتی و راه‌آهن بین شمال و جنوب ایران را توسعه دادند.

در این شرایط محمدرضا پهلوی جانشین پدر شد و محمدعلی فروغی به عنوان نخست وزیر به اداره کشور پرداخت. شاه جوان آگاهی کافی از امور جهان و ایران نداشت و حکومت وی با بحران عمومی همراه

۱. مراجعه شود به:

Banani, Amin; *Modernization of Iran*, Stanford, California; 1967; pp. 137 -41.

۲. پرفسور لمپتون در این رابطه تصریح می‌کند که:

Attempts to improve the Land - tenure system, resulted mainly in the acquisition of vast area by the shah or large landlords.

بود. دولت فروغی در کمتر از ۶ ماه به علت ناتوانی استعفا داد. سهیلی و قوام پس از وی به تشکیل دولت مبادرت کرده حداکثر ۲ سال دوام آوردند. سپس ساعد، سهام السلطان، صدرالاشراف و حکیمی به عنوان رئیس دولت معرفی شدند. در کمتر از ۴ سال، ۹ کابینه تعویض گردید. مسائل آذربایجان و کردستان و شورش مردم به خاطر درگذشت مدرس، قحطی مواد غذایی، فقر و فلاکت، تحریکات احزاب کمونیستی، همه و همه در تشدید بحران نقش آفرین بودند. شاه در سال ۱۹۴۸ م دستور تغییر قانون اساسی به نفع سلطنت و تشکیل مجلس سنا را صادر کرد.^{۷۶} مردم در منزل آیت... کاشانی برای مبارزه با انواع قانون شکنی‌ها از سوی شاه اعلام آمادگی کردند. بر طبق قانون اساسی جدید، شاه قدرت مطلقه یافت و لذا می‌توانست حتی مجالس را هم تعطیل کند. به دستور شاه آیت... کاشانی تبعید شد و انتخابات فرمایشی برای مجلس شانزدهم برگزار شد، اما اعتراض مردم نسبت به تقلب در انتخابات و ترور نخست وزیر (هژیر) به دنبال آن باعث ابطال انتخابات از سوی شاه و برگزاری انتخابات مجدد گردید. در انتخاب بعدی مردم تهران دکتر مصدق و حتی آیت... کاشانی (در تبعید) را به عنوان نماینده خود انتخاب کردند.^{۷۷}

در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰ م.) به درخواست آیت... کاشانی مساله ملی شدن صنعت نفت مطرح شد که در قالب تظاهرات مربوط به آن، سپهبد رزم‌آرا (نخست وزیر وقت) کشته شد. با جدیت نمایندگان و حمایت مردم صنعت نفت ملی شد، و مصدق به عنوان نخست وزیر مردم و مجلس برای اجرای امور برگزیده شد. حمایت مردم از دکتر مصدق نوید بهبود اوضاع را می‌داد. برخی فرصت سوزی‌ها از سوی دکتر مصدق و برخی تلاش‌ها از سوی مخالفان ملی شدن صنعت نفت باعث ایجاد اختلاف بین نیروهای مبارز گردید. آیت... کاشانی سعی داشت وحدت مردم را حفظ کند، حزب توده شروع به مخالفت با دکتر مصدق نمود. در همین شرایط دوره قانونی مجلس تمام شده بود و انتخابات جدید برگزار گردید. طبق قانون دکتر مصدق استعفا داد. اما مجلس بعدی نیز به وی رأی اعتماد مجدد داد. هنگام معرفی کابینه شاه اصرار داشت که وزیر جنگ را بایستی او انتخاب کند، در نتیجه مصدق به عنوان اعتراض در ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۱ (۱۹۵۲ م.) استعفا داد جالب است که شاه به محض ملاحظه استعفا آن را پذیرفته، احمد قوام را به عنوان نخست وزیر معرفی نمود. پس از مخالفت آیت... کاشانی و مخالفان دیگر رژیم و تلاش آنها برای بازگرداندن مصدق، قوام در اطلاعیه رسمی "جدایی دین از سیاست"، جوابی کنایه‌ای به آیت... کاشانی داد. اما ادامه تظاهرات مردم شاه را ناچار کرد که قوام را برکنار نماید.^{۷۸} مصدق مجدداً کابینه خود را تشکیل داد. قابل انتظار بود که مصدق با چنین حمایت مردمی اقداماتی کلیدی در راستای مصالح بلندمدت مردم بنماید. اما او با وجود اختیارات کافی کابینه ضعیفی را معرفی کرد. در عین حال با تلاش وی در ۲۹ اسفند ۱۳۳۱ (۱۹ مارس ۱۹۵۳ میلادی) نفت ایران ملی اعلام گردید.

۱. شاه توجیه دموکراتیک مآبانه‌ای برای تغییر قانون اساسی را در نظر داشت و خطاب به نمایندگان مجلس اعلام کرد: «در این کشور باید دست به تحویلی از بالا بزنیم، در غیر این صورت ممکن است به یک تحول از پایین دچار شویم».

۲. مردم به افراد دیگری (مثل دکتر شایگان، دکتر سنجاپی، مکی و دیگران) رأی دادند. اینها در سال ۱۳۲۸ (۱۹۴۳ م.) جبهه ملی را تشکیل دادند.

۱. جالب توجه است که قوام از طریق رادیو متوجه شد که استعفا داده شده است.

تداوم ضعف کارکرد دولت مصدق، تصمیم عجولانه وی در انحلال مجلس، اختلاف نظر آیت ... کاشانی با وی و تلاش دشمنان واقعی ملت روز به روز به تضعیف بیشتر دولت منجر شد. عدم کاربرد قوه تحمل و فقدان گفتمان منطقی، همواره یکی از دشواری‌های عمومی بسیاری از روشنفکران جهان سوم بوده است. در هر حال زمینه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳ م.) با کمک آمریکا فراهم گردید که برخی از کوتاهی‌های مصدق را نیز می‌توان در این امر سهیم دانست.

زاهدی نخست وزیر گردید، تیمور بختیار فرمانده حکومت نظامی شد و مصدق بازداشت شد. ادامه اعتراضات باعث شد تا در ۱۶ آذر همان سال در دانشگاه تهران سه دانشجو در اعتراض به تجدید رابطه با انگلیس توسط پلیس کشته شدند. پس از انجام کودتا، سران مخالفان و از جمله آیت ... کاشانی دستگیر و محاکمه گردیدند.^{۷۹} در اواخر دهه ۱۳۳۰، اداره ساواک (سازمان امنیت) تاسیس گردید. مبارزه با مخالفان رژیم تا ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ م.) بشدت ادامه یافت. بین سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ (۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ م.)، پس از سرکوب کامل مخالفان و تحت تاثیر شرایط عمومی بین‌المللی، رژیم به یک سری رفرم‌های جزئی دست زد. در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱ م.)، علی امینی نخست وزیر شد. در آن شرایط اوضاع اقتصادی بسیار بحرانی بود. امینی با استقراض ۳۳ میلیون دلار وام از آمریکا در تلاش برای رفع بحران برآمد. به دنبال آن، او برنامه مبارزه با فساد اقتصادی را اعلام کرده در سال ۱۳۴۰ برنامه اصلاحات ارضی را به تصویب رساند.

امینی برخوردی مناسب با روحانیان نموده به اوضاع اقتصادی سر و سامان نسبی داد. ذکر این نکته جالب توجه است که اختلاف نظر وی با شاه باعث استعفای وی در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۲ م.) گردید که بلافاصله پذیرفته شد و اسدا... علم به جای امینی برگزیده شد. به علت انحلال مجلس و عدم برگزاری انتخابات مجدد، مصوبات هیات دولت جایگزین آن بود. رفرم شاه تحت عنوان انقلاب سفید در چنین اوضاع و احوالی تداوم یافت. تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی یکی از مصوبات فوق بود که برخلاف قانون اساسی (مصوبه انقلاب مشروطه) طراحی شد که موجب اعتراض علما و مردم گردید که^{۸۰} زمینه بحران‌های جدیدی را فراهم ساخت. این بار آیت ... خمینی عملاً رهبری مبارزه را در دست گرفت. شاه ناچار شد در ۴ بهمن ۱۳۴۱ به دیدار علما در قم برود ولی نتیجه‌ای به دست نیاورد. اعتراضات مردمی زمینه قیام خرداد ۱۳۴۲ و حوادث بعدی قرار گرفت که نهایتاً باعث سقوط رژیم پهلوی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۱ فوریه ۱۹۷۹ میلادی) گردید.

۲. آیت ... کاشانی با حالت بیماری مدتی در زندان ماند. دفاعیه صریح وی و فشار مخالفان حکومت باعث آزادی وی گردید. وی در سال ۱۳۴۰ درگذشت.

۱. شرط اسلام که در مورد انتخاب شونده‌گان در قانون اساسی اول مدون شده بود، در مصوبه مربوطه حذف گردیده بود.

۵-۲- اجرای برنامه‌های توسعه

بدیهی است کشوری که روند فوق‌الذکر را از نظر سیاسی و اجتماعی داشته باشد نمی‌تواند از یک سامان اقتصادی معقول برخوردار باشد. به همین خاطر تورم، بیکاری، تولید پایین، وخامت در تراز پرداخت‌ها و امثال آن حکایت از دشواری جدی اقتصادی در این دوره می‌کند. در عین حال در دو سالی که حکومت در دست نمایندگان واقعی مردم بود (۱۹۵۲ تا ۱۹۵۴ م.)، اوضاع اقتصادی از بهبود نسبی برخوردار گردید. در دوره مصدق مخارج غیر ضروری دولت کاهش پیدا کرد، محصولات کشاورزی و صنعتی از رشد مناسبی برخوردار بود و این در حالی بود که به خاطر مبارزه با بیگانگان، در آن دوره فروش نفت صورت نگرفت. همچنین در این دوره قرار شده بود که از سوی بانک جهانی وامی برای بازسازی به ایران اعطا شود که آنهم پس از پیروزی مصدق، لغو گردید.

در دوره پهلوی ۵ برنامه توسعه اقتصاد مدون و حداقل چهار مورد آن به اجرا درآمد. برنامه هفت ساله اول بین سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۵ شمسی (۱۹۴۹ تا ۱۹۵۶ میلادی) اجرا گردید. مقرر شده بود که بانک جهانی برای تامین هزینه‌های این برنامه ۲۵۰ میلیون دلار به دولت ایران وام اعطا کند. وام مذکور اعطا نشد و بسیاری از اهداف برنامه یاد شده محقق نگردید. به دنبال آن برنامه عمرانی هفت ساله دوم بین سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱ (۱۹۵۵ تا ۱۹۶۲ م.) مدون گردید. قرار شد تمامی هزینه‌های برنامه از طریق درآمد نفت تامین گردد که بخشی از درآمدهای مذکور تامین نشد لذا دولت ناچار به استفاده از تعهدات جدید خارجی شد و در این رابطه سیاست انقباضی بانک جهانی الگو قرار گرفت که اقتصاد ایران را با رکود شدیدی مواجه ساخت.^{۸۱}

برنامه پنج ساله سوم برای سالهای ۴۶ - ۱۳۴۱ (۶۷ - ۱۹۶۲ م.) از لحاظ نظری تا حدودی از دو برنامه اول جامع‌تر بود. زیرا تقریباً همه اهداف اقتصادی مهم را پوشش می‌داد. با وجودی که نتایج برنامه مطابق پیش‌بینی نبود، اما حداقل مشارکت قابل توجهی از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را همراه داشت. هدف دیگر برنامه ایجاد یک میلیون فرصت شغلی برای حل معضل بیکاری بود که اساساً در عمل به فراموشی سپرده شد. اما برنامه سوم در مجموع زمینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری مناسبی برای اجرای برنامه چهارم (۱۳۵۲ - ۱۳۴۷ شمسی مصادف با ۱۹۷۳ - ۱۹۶۸ میلادی) فراهم نمود.

برنامه چهارم در ارتباط با «انقلاب سفید» به اجرا درآمد. پیش‌بینی‌های برنامه مذکور نیز با توجه به دشواری‌های مربوط به تامین اعتبار و فقدان نظارت اقتصادی با واقعیت همراه نبود.^{۸۲}

سرانجام برنامه پنجم که برای سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۵۲ (۱۹۷۸ - ۱۹۷۳ م.) تدارک یافته بود در اسفند ۱۳۵۲ به تصویب مجالس قانون‌گذاری رسید. سرمایه‌گذاری مصوب (با احتساب هر دلار ۶۷/۵ ریال نرخ سال

۱. برای داشتن تفسیر کاملی از برنامه دوم می‌توان مراجعه کرد به:

Amuzegar, J. (1958) *Irans Economic Planning*, Middle East Economic Papers; Beirut; pp. 100-110.

۲. برای آگاهی از وضعیت کل برنامه چهارم می‌توان مراجعه کرد به: جی باربر، اقتصاد ایران، ترجمه مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳.

۱۳۵۲)، ۳۶/۴ میلیارد دلار بالغ گردید. قرار بود ۲۲/۵ میلیارد دلار از طریق بخش دولتی و ۱۳/۵ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی استفاده شود. تمامی سرمایه بخش دولتی مربوط به درآمد نفت بوده است. به خاطر افزایش شدید قیمت‌های نفت درآمد برآورد شده نفت از ۲۴/۶ میلیارد دلار قبلی به ۹۸/۲ میلیارد دلار بالغ گردید. در نتیجه در سال ۱۹۷۴ تجدید نظر کلی در برنامه صورت گرفت.

با وجودی که برنامه پنجم نسبت به برنامه‌های قبلی پیشرفته‌تر بود و منابع کافی برای تامین هزینه‌ها را در اختیار داشت و با وجود استفاده از بسترهای آماده شده در قالب چهار برنامه قبلی، اما فقدان انضباط مالی، بلندپروازی در اجرای هزینه‌ها (به خاطر وسعت درآمد نفت) و همچنین عوامل غیر اقتصادی (مقوله امنیت، مبارزات مخالفان رژیم و امثال آن) باعث شد که عملکرد با پیش‌بینی‌ها تفاوت فراوانی داشته باشد.^{۸۳} دولت مقدمات برنامه ششم را نیز برای اجرا در سال ۱۳۵۷ فراهم نمود که با پیروزی انقلاب اسلامی متفی گردید.

۵-۳- تاریخ اقتصادی جمهوری اسلامی و شکست برنامه تعدیل ساختاری

انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۱ فوریه ۱۹۷۹م.) باعث انقراض رژیم پهلوی گردید. در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ (اول آوریل ۱۹۷۹م.) قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب ملت رسید. ده سال اول انقلاب به تثبیت اوضاع و پاسخگویی به جنگ ناخواسته از سوی عراق گردید. در عین حال با توجه به هزینه سنگین جنگ و فقدان فرصت و زمینه برنامه‌ریزی میان مدت و بلند مدت، دولت نتوانست یک تئوری مشخص اقتصادی را تعریف و اجرا کند، در عین حال تلاش‌هایی برای تثبیت اوضاع به عمل آورد. اقتصاد کشور در سال ۱۳۵۶ (یک سال قبل از انقلاب) با توجه به عوامل شناخته شده، دچار بحران بود. مشکلات مربوط به انقلاب به تشدید بحران اقتصادی انجامید. با فاصله بسیار کمی از پیروزی انقلاب، دارایی ارزی کشور مسدود گردیده، ایران مورد تحریم اقتصادی کشورهای پیشرفته غرب (بویژه آمریکا) قرار گرفت. لذا با وجودی که یکی از شعارهای مردم و سیاست‌گذاران قطع وابستگی اقتصاد ایران به نفت بود، اوضاع در این رابطه وخیم‌تر و وابستگی اقتصاد کشور به نفت بیشتر شد. حتی کاهش تولید نفت در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ به کاهش تولید ناخالص منجر شد و وضع تولید ناخالص ملی تا سال ۱۳۶۱ هنوز نامناسب‌تر از آن در سال ۱۳۵۶ بود.

با وجودی که وضع اقتصاد کشاورزی ایران به طور جدی دستخوش تنگناهای انقلاب و جنگ قرار نگرفت، بخش صنعت با رکود و یا درجاذدن دچار شد. حداقل تا سال ۱۳۶۱ از رشد سرمایه ثابت داخلی کاسته شد (میانگین کاهش سالانه بیش از ۹ درصد بوده است). سیاست‌های کشاورزی بویژه در بحث مالکیت و قیمت‌گذاری هنوز با ابهام همراه است. با این وجود سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در این دهه نسبت به قبل از انقلاب از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است.^{۸۴} در عین حال اقتصاد کشاورزی

۱. برای اطلاع از جزئیات برنامه می‌توان رجوع کرد به:

Iran's 5t Plan, Kayhan Research Associates; without date.

۲. سهم ارزش افزوده مربوط به گروه کشاورزی از تولید ناخالص از ۸/۷ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۱۴/۳ درصد در سال ۱۳۶۱ افزایش یافته است.

ایران با وجود پتانسیل بالا نتوانست حتی احتیاجات داخلی را تامین نماید و وابستگی به واردات محصولات کشاورزی حتی از قبل از انقلاب بیشتر گردید. قیمت نفت از هر بشکه ۱۳/۴۶ دلار در سال ۱۳۵۷ به ۲۸ دلار در پایان سال ۱۳۶۱ بالغ گردید. صنعت کشور به خاطر وابستگی شدید به خارج، پس از انقلاب با رکود جدی مواجه شد. دولت به قصد حمایت از صنایع داخلی بخشی از آنها را ملی اعلام کرد. در عین حال یک دشواری عمده صنعت ایران کمبود ارز بود که در کوتاه مدت قابل حل نبود.

افزایش جمعیت، هجوم روستاییان به شهرها، گسترش تقاضای جدید مصرفی، بهداشتی، آموزشی و مسکن به همراه جنگ تحمیلی بر دشواری‌های این دوره می‌افزاید. بخشی از کسری بودجه از طریق استقراض بانکی تامین می‌گردید که خود تورم‌زا بود. دولت برای حمایت از قشر کم درآمد نیز اقداماتی به عمل آورد و این خود هزینه‌های جدی بر بخش عمومی تحمیل می‌نمود. صادرات غیرنفتی نسبت به قبل از انقلاب کاهش پیدا کرد. اتکا دولت به سیستم بانکی و بدهکار شدن دولت باعث گسترش نقدینگی گردید. مجموعه این عوامل باعث شد تا شاخص‌های کالاها و خدمات مصرفی در چهار سال اول پس از انقلاب به بیش از دو برابر افزایش یابد. گسترش تعاونی‌ها، ایجاد نوعی انضباط مالی در هزینه‌ها، کاهش هزینه‌های غیر ضروری، کسب مهارت نسبی در صنایع جنگی و صنایع بخش نفت، ساخت سدها و کارخانه‌ها و راه‌اندازی بخش‌هایی از راه‌آهن جنوب و امثال آن از خدمات اقتصادی دولت در دهه اول پس از انقلاب می‌باشد. ضمناً دولت وقت برای سالهای ۶۶ - ۱۳۶۲ برنامه اول ۵ ساله توسعه جمهوری اسلامی را طراحی کرد که پس از تصویب در دولت در مجلس تصویب نشد.^{۸۵} همانطور که اشاره شد، با توجه به مجموعه عوامل و محدودیت‌ها و فرصت‌ها، رفتار اقتصادی دولت در ده ساله اول قابل توجیه می‌باشد.

دولت جدید در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹م.) روی کار آمد و مهمترین دستاورد ۸ ساله خود را برنامه‌های توسعه در پرتو تئوری تعدیل اعلام نمود. برنامه اول توسعه (۷۳ - ۱۳۶۸) در سال ۶۸ (۱۹۸۹م.) آغاز گردید. نرخ رشد سالانه ۸/۱ درصد برای این برنامه پیش‌بینی شده بود که تحقق آن کمتر از ۷/۳ درصد بود. همچنین تولید ناخالص سرانه تنها ۶۰ درصد تولید سالانه سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸م.) را می‌پوشاند. لذا نتایج برنامه هنوز تا حصول به شاخص‌های قبل از انقلاب فاصله داشت.^{۸۶} برنامه دوم توسعه (۷۸ - ۱۳۷۴) در ۱۳۷۳ (۱۹۹۴م.) با هدف رشد ۵/۱ درصد به تصویب رسید. شرایط اجتماعی جامعه، بلندپروازی در اصل برنامه و مشکلات دیگر به گونه‌ای بود که سیاست‌گذاران در گزارش ارزیابی سه ساله اول اعلام کردند که دستیابی به اهداف

۱. توجیه مجلس در رد برنامه ۶۶ - ۱۳۶۲ عمدتاً به عدم اطمینان از به اجرا درآمدن آن با توجه به شرایط جنگ می‌باشد. دولت همچنان برای سالهای ۶-۶۵ برنامه دیگری تدوین نمود که آن نیز حنبه استراتژیک داشته و در قالب استاندارد برنامه عادی نبود. بلکه صرفاً برای همراهی با وضع بحران اقتصاد در سالهای جنگ طراحی شده بود. برای اطلاع بیشتر از این برنامه و همچنین برای اطلاع جامع‌تری از کارکرد اقتصاد ایران در دهه اول پس از انقلاب حداقل می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

الف) سالنامه‌های آماری کشور از سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷؛ ب) نشریات اداره بررسی‌های اقتصادی، بانک مرکزی سالهای ۶۵-۶۰؛ پ) گزیده‌های آماری مرکز آمار ایران، شماره‌های ۱ تا ۱۰؛ ت) قوانین بودجه سالانه کشور در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷؛ ث) گزارش دفتر کلان سازمان برنامه و بودجه در سالهای ۶۱ تا ۶۵.

۲. به قانون برنامه اول انتشارات سازمان برنامه مراجعه شود.

کمی برنامه در ارتباط با رشد تولید ناخالص امکان‌پذیر نخواهد بود.^{۸۷} در هر صورت برنامه دوم توسعه بر محور تعدیل اقتصادی نیز ناکام ماند. نارضایتی مردم از سیاست‌های اقتصادی مذکور و فشار حاصل از آن بر دوش اکثریت جامعه به همراه دیگر مشکلات به حدی بود که پیام خود را به صورت غیر مستقیم در رد نگرش مذکور و گرایش به نگرش جایگزین آن در قالب رای‌گیری در دوم خرداد ۱۳۷۶ (۲۳ مه ۱۹۹۷ م.) اعلام نمودند.

دولت دوم خرداد در ابتدا در مقابل انتظارات مردم قول سامان‌دهی اقتصادی داد. این امر در ابتدا بارقه‌امیدی ایجاد کرد، اما دولت مذکور هم به علت دشواری‌های سازمانی و ساختاری در اقتصاد و سیاست ایران و هم به خاطر ضعف مدیریت و فرصت‌سوزی، نتوانست به شعار خود جامعه عمل بپوشد. جالب توجه است که دولت استراتژی و تئوری روشنی برای اجرای شعارها و انتظارات مردم نداشته، لذا در طراحی برنامه سوم مجدداً به تئوری تعدیل روی آورد.^{۸۸} برنامه سوم (۸۳ - ۱۳۷۹) از سال ۷۹ اجرا شده و آثار ناکارآمدی آن از هم اکنون آشکار شده است.^{۸۹} به عقیده ما دو مشکل اساسی در تحلیل ناکارآمدی برنامه‌های توسعه فوق‌الذکر - هم در دولت ۸ ساله پس از جنگ و هم در قالب دولت اصلاحات - وجود دارد. یکی مشکل برنامه‌ریزی در اقتصاد ایران بخصوص با ساختار قانونی و اجرای موجود می‌باشد که تا آن دشواری‌ها حل نشود هیچ برنامه‌ای موفق نخواهد بود. و دیگری به ماهیت برنامه تعدیل مربوط می‌شود. ابتدا عدم موفقیت برنامه تعدیل را ارزیابی کرده در قالب جمع‌بندی پایانی مشکل ساختاری را نیز مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۵-۴- علل ناکارآمدی تئوری تعدیل ساختاری در اقتصاد ایران

۱. تئوری تعدیل ساختاری در هر صورت یک الگویی را برای انجام اصلاحات اقتصادی معرفی می‌نماید. اصولاً در دهه ۱۹۸۰ م.، زمانی که حرکت موسوم به نظم نوین اقتصاد بین‌الملل با تنگناهای جدی مواجه شد، در مورد توصیه‌های لیبرالی مربوط به رشد و توسعه اقتصادی تجدیدنظر صورت گرفت. بسیاری از کشورهای فقیر دچار بدهی، سقوط قیمت کالاهای صادراتی و در جازده‌های شدید شدند. یک اجماع بر این مبنا ساخته شد که راه‌حل‌های نئولیبرالی در رشد و توسعه کاراترین از نوع خود هستند. فرض اجماع نئولیبرالی این است که سیاست‌های داخلی کشورهای در حال توسعه و بخصوص دخالت دولت در اقتصاد عامل عقب‌ماندگی آنها است. نئولیبرالیسم تکیه بر خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و آزادسازی تجاری را به عنوان راه‌حل نارسایی‌های کشورهای در حال توسعه مطرح ساخت. این مبنای برنامه‌های تعدیل ساختاری است و

۱. مراجعه شود به قانون برنامه دوم از انتشارات سازمان برنامه و بودجه، گزارش مشاوران اقتصادی از عملکرد برنامه دوم از همان انتشارات در سال ۷۵.

همچنین می‌توان مراجعه کرد به یاد... دادگر، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۰، فصل نهم.

۲. مراجعه شود به لایحه برنامه سوم توسعه، سازمان برنامه و بودجه، شهریور ۱۳۷۸.

۳. به گونه‌ای که شکست برنامه اقتصادی، زمینه شکست دولت اصلاحات در تحقق شعارهای مربوطه تلقی می‌گردد.

آمریکا، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هسته اصلی راه اندازی آن هستند. لذا الگوی مذکور در قالب "توافق واشنگتنی" نیز مطرح می‌باشد. این الگو در سیاست‌های اقتصاد ایران پس از جنگ تحمیلی بدون مطالعه کافی در مورد هماهنگی آن با اقتصاد ایران و بدون توجه به مبانی فلسفی خاص آن شبیه‌سازی و مبنای اجرای اصلاحات اقتصادی کشور (موسوم به بازسازی) قرار گرفت.

۲. تئوری تعدیل از مبانی خاص فلسفی برخوردار است و با دیگر عناصر مرتبط با همان مبانی سازگار است و موفقیت آن نیز در گرو تحقق عناصر مربوطه است. به همین خاطر است که اجرای برنامه‌های اقتصادی نئولیبرالی در کشورهای انگلیس و آمریکا به خاطر وجود لوازم مربوطه در آن کشورها، پاسخ می‌دهد و به قول پرفسور دنی بران "ثروتمند را ثروتمندتر می‌کند"،^{۹۰} اما همان برنامه‌ها در اندونزی و نیوزیلند و پاکستان و سری لانکا جواب نمی‌دهد و لذا در ایران نیز جواب نخواهد داد. به همین خاطر است که با وجود ولع تاچر و ریگان برای اجرای این برنامه در انگلیس و آمریکا (برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۷۰)، فرانسه، آلمان و حتی ژاپن با وجودی که در دنیای اقتصاد سرمایه‌داری سیر می‌کنند، با احتیاط با آن مواجه می‌شوند.^{۹۱}

۳. یکی از مهمترین نارسایی‌های تئوری تعدیل به عنوان یک الگوی اصلاحات سازگار برای کشورهای در حال توسعه به طور کلی و ایران به طور خاص، بی‌توجهی الگوی مذکور به نهادها، ساختارها و مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که ترکیب آنها وضعیت اصلاحات اقتصادی را ترسیم خواهد کرد. جامعه اصولاً در قالب مجموعه فوق تولید نهایی اجتماعی و سرمایه اجتماعی را استخراج می‌کند. به قول پرفسور داگلاث نورث امور اقتصادی و فنی تنها یک بخش از مجموعه فراوان شبکه‌ها و نهادهایی هستند که در قالب ماتریس نهادهای اجتماعی قرار دارند. اما در تئوری تعدیل یک پیش فرض کلیدی این است که اصلی‌ترین جنبه توسعه، جنبه اقتصادی آن است و همچنین عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی کاملاً قابل تفکیک می‌باشند. به عقیده اینجانب سیاست‌گذاران برنامه تعدیل در ایران یا به این مساله واقف نبوده‌اند و یا برای ملازمات آن اهمیتی قائل نبوده‌اند و یا اقتصاد ایران را درست نشناخته‌اند، در هر صورت موضوعی سؤال برانگیز و تکان دهنده است.

۴. با توجه به پیش فرض کلید تئوری تعدیل، تصور حاکم بر آن چنین است که تحولات در یک حوزه، جدا از تغییرات در حوزه دیگر انجام می‌شود، گویی بر عناصر نظام اقتصادی، قوانین علم مکانیک حاکم است که نهایتاً اصلاحات و توسعه اقتصادی در کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌ای از روابط ریاضی و متغیرهایی به همراه آنهاست تحویل خواهد رفت. آمارتیا سن گویی اقتصاد را تنها بر مهندسی استوار می‌داند در حالی که اقتصاد هم پایه مهندسی دارد و هم پایه اخلاق.^{۹۲} بدیهی است

۱. مراجعه شود به :

Braun, Benny; the Rich get Richer; Chicago; Nelson Hall; 1997.

۲. می‌توان رجوع کرد به پدا... دادگر؛ اقتصاد بخش عمومی، منبع ذکر شده، صفحات ۳۲۹ به بعد.

۱. مراجعه شود به آمارتیا سن، اخلاق و اقتصاد، ترجمه حسن فشارکی، نشر شیرازه، ۱۳۷۷.

در چنین فرایندی تصور می‌شود که عناصر مذکور دارای روابطی تابعی هستند که با تغییر در یکی از آنها می‌توان به میزان مطلوب تغییر در متغیر مورد نظر نایل گردید. بر این اساس بود که سیاست‌گذاران تعدیل در ایران ادعا می‌کردند که با افزایش نرخ ارز، صادرات غیر نفتی در ایران افزایش خواهد یافت و با آزادسازی تجاری، کالاهای داخلی قابلیت رقابت خواهند داشت و با مقررات زدایی، کارایی بخش خصوصی افزایش می‌یابد، که رشد اقتصادی ناشی از آن رفاه را گسترش خواهد داد. اما با وجودی که طبق ادعای سیاست‌گذاران، تمامی متغیرهای مورد نظر در ایران به صورت فوق متحول شدند،^{۹۳} مشکل فقر و بیکاری و رفاه و رقابت‌پذیری و افزایش صادرات و امثال آن در ایران حل نشد. بدیهی است ممکن است تغییرات حاصل در متغیرهای یاد شده با توجه به بازار ناکارآمد، شبکه‌های فساد اقتصادی، فقدان انضباط مدیریتی، نگرش کوتاه مدت به حداکثر سود، رانت‌جویی، سفته بازی، اقتصاد زیرزمینی و سایر مفاسد به حرکتی مولد در اقتصاد ملی تبدیل نگردد. تصور ساده‌انگارانه از جدایی اقتصاد و سایر عناصر در ماتریس زندگی اجتماعی یک دشواری اساسی اندیشه سیاست‌گذاران اقتصاد ایران پس از جنگ می‌باشد.

۵. مطلب کلیدی‌تر در مورد پایه‌های تئوری تعدیل، توجه به عقلانیت ابزاری به عنوان اصلی‌ترین محرک کارایی و رشد و حصول به تخصیص بهینه می‌باشد. علیرغم پذیرش چنین قدرت معجزه‌آسایی برای این پیش فرض، آیا بسترهای لازم در اقتصاد ایران برای این امر فراهم می‌باشد؟ و آیا اصولاً چنین ساختاری در اقتصاد ایران وجود دارد. پیوند ریشه‌ای و تنگاتنگ این پیش فرض با وجود اطلاعات کامل، وجود بازارهای رقابتی کامل، پذیرش نگرش فردگرایانه، سپردن تخصیص به عنصر قیمت، بی‌توجهی به رفاه و رضایت‌مندی دیگران و جدا کردن امور هنجاری از امور اثباتی، نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. با فرض اینکه هدف اصلی اقتصاد در ایران هم حداکثر کردن سود و رفاه فردی باشد، ساختارهای لازم برای تحقق این امر وجود ندارد و در نتیجه آزمون تئوری تعدیل در ایران می‌تواند حتی اعتبار آن را نیز زیر سؤال ببرد. وانگهی هم تئوری‌ها، دشواری‌های فراوانی برای الگوی تعدیل برمی‌شمارند و هم تجارب بسیاری از کشورهای جهان سوم در مورد کاربرد نابخردانه تعدیل هشدار می‌دهند و هم عملکرد واقعی کشورهای پیشرفته دلالت بر این دارد که آنچه واقعیت توسعه و پیشرفت است، اجرای تئوری عربان تعدیل نمی‌باشد.^{۹۴} بی‌توجهی سیاست‌گذاران اقتصاد ایران پس از جنگ به تجارب دیگر کشورها و تئوری‌های مربوط به ارزیابی تعدیل اقتصادی، مشکل دیگر عدم موفقیت برنامه‌های توسعه در ایران است.

۲. ادعای رشد ۱۲/۱ درصد در اقتصاد ایران در سال ۱۳۶۹، آزادسازی نرخ ارز و سقوط ارزش ریال (بیش از صد برابر) از نمونه این تحولات است.

۱. برای اطلاع بیشتر مواجهه شود به یدا... دادگر، مروری بر ادبیات نقش دولت در اقتصاد، نشریه فرهنگ و اندیشه، شماره ۲۵، تابستان ۸۱.

۶- جمع‌بندی پایانی

شاید بتوان مهمترین مطالب مربوط به تحولات اندیشه اقتصادی ایرانی - اسلامی با تاکید بر اصلاحات را به صورت زیر جمع‌بندی نموده به برخی پیامدهای آن اشاره کرد:

۱. فکر و عمل اقوام ایرانی چه قبل از اسلام و چه پس از آن یک سرمایه اجتماعی بسیار کلیدی است که مملو از عزت، اقتدار، صمیمیت، انضباط، تحرک، سلامت نفس و نجابت بوده است. به عقیده ما اگر پیامدهای منفی در مقاطعی از زمان در ارتباط با اندیشه و عمل ایرانی مطرح بوده عمدتاً ریشه در کارکرد صاحبان قدرت سیاسی و روحانی (امرا و علما) داشته است. لذا تحلیل برخی شرق‌شناسان که روح ایرانی را غیر جمع‌پذیر (فردگرا) و زورپذیر (دیکتاتور پرور) بیان می‌دارند به امر فوق قابل تحویل می‌باشد. یعنی می‌توان گفت ممکن است حاکمان بی‌کفایت و مستبد از نجابت ایرانی‌ها سوء استفاده نموده و بنمایند و نه اینکه خود ایرانی‌ها مسأله‌دار باشند.

۲. ایرانی‌ها هم در عصر بت پرستی و هم در عصر حاکمیت پیامبران توحیدی قبل از اسلام و هم پس از پذیرش اسلام و هم پس از تحولات و انحرافات وسیع مسلمانها و بخصوص انحراف دو قشر کارساز امرا و علما، خط سیر نسبتاً با ثباتی داشته‌اند و از دین و مملکت و شرافت خود دفاع کرده‌اند. و زندگی آنها جدای از دین و اخلاق و شعور اجتماعی نبوده است. در عین حال آنها از یک عقلانیت فراگیر دفاع کرده‌اند که نه به دین مداری افراطی و غیر معقول تن داده و نه دین زدایی را پذیرا شده‌اند. لذا به همراه پذیرش اسلام، هویت ملی، تمدن و سنن ایرانی خود را نیز حفظ کرده‌اند و زیر بار نگرش‌های افراطی و تفریطی نرفته‌اند. در عین حال تجربه تحمیل هر دو اندیشه ناکارآمد فوق را نیز دارا بوده‌اند؛ چرا که هم قدرتمندان لائیک هم تمامیت خواهان مدعی دین را تحمل کرده‌اند.

۳. اگر دین و اقتصاد و سایر ابعاد اندیشه اجتماعی از پیوندی سازگار و با تحلیلی فلسفی و هماهنگ برخوردار بوده است، نهادهای جامعه مربوطه کارآمد و عناصر اجتماعی وظایف خود را به درستی انجام می‌دهند؛ اما در صورتی که یک انگیزه ناسازگار و اغراض قدرت مدار به طراحی مدلی مصنوعی از این پیوند مبادرت ورزند، هم دین را ناکارآمد و هم اقتصاد را ناموفق جلوه خواهند داد. در این صورت تنها لعابی و ظاهری از دین باقی می‌ماند و در عین حال تصلب اندیشه‌های جزمی‌نگر، پل‌های زیادی برای قدرتمندان و صاحبان تزویر فراهم می‌آورد. یک پیامد این امر خلط سلطنت بشری با خلافت خداوندی است که در سیر تاریخ اندیشه اقتصادی ایرانی - اسلامی مشاهده می‌شود. وقتی سلاطین خود را خدای روی زمین معرفی می‌کنند، پیوند دین و سیاست بیشتر زیر سؤال می‌رود؛ زیرا یافتن تعریف سازگار از دین و سیاست و در دایره انسان جائز الخطا از مشروعیت دینی دادن به افکار و رفتار حاکمان، پادشاهان و جباران زمینی بسیار کم هزینه‌تر است.

به همین خاطر است که همه دیکتاتورها نیز دیکتاتوری و ظلم را ناپسند می‌دانند ولی باور خدایگانی آنها گویبی آن است که اعمال دیکتاتوری تنها توسط آنها بی‌زیان است و یا اصولاً دیکتاتوری نخواهد بود.

۴. در سیر تحولات افکار اقتصادی و سیاسی ایران، هرگاه مقررات تعریف شده‌ای بر جامعه حاکم است و تکلیف کارگزاران از نظر قانونی معلوم و اندیشه دینی شفافی مطرح است و نوعی انضباط و هماهنگی در اجرا وجود داشته و مجریانی شایسته، دست در کار بوده‌اند، منافع ملی افزایش و هزینه‌ها کاهش یافته است. این امر حتی در قالب سیستم‌های تمامیت خواه و مطلقه نیز در حد خود پاسخگو بوده است. لذا وقتی بهمنیارها، برزویه طبیب‌ها، نظام‌الملک‌ها، خواجه نصیرها و امیر کبیرها امور مردم را اداره می‌کرده‌اند ثبات و امنیت و عقلانیت فراگیرتر، و تاثیر منفی دیکتاتورها کمتر بوده است.

۵. وجود عناصری برای کنترل و نظارت و یا متغیری برای پویا نگهداشتن انتخاب مدیران و نگرش‌های تمامیت خواه و بدون کنترل از چالش‌های اساسی در کل فرایند تحولات ایرانی - اسلامی بوده است. اگر تمامی مدیران (عالم و عامی) به یک سیستم انتخابی در یک زمان محدود پاسخگو باشند و صلاحیت آنها در زمان‌های مشخصی مجدداً مورد قضاوت مردم یا خبرگان قرار گیرد، با توجه به سرمایه اجتماعی مردم و پتانسیل اندیشه دینی، می‌توان به بالاترین کارآمدی از اقتصاد و دین و سیاست نایل آمد. تاریخ اقتصاد ایران این تئوری را تأیید می‌کند که قوانین شفاف با اجرای مدیران شایسته و با وجود یک سیستم کنترل کننده (مثل انتخابات) ضامن اصلاحات اقتصادی با حفظ پیوندهای دینی، اخلاقی و سیاسی می‌باشد.

فهرست منابع

الف - فارسی

- ۱- آلبرماله و ژول ایزاک؛ تاریخ ملل مشرق؛ ترجمه عبدالحسین هژبر؛ دنیای کتاب، جلد اول، ۱۳۶۲.
- ۲- آمارتیاسن؛ اخلاق و اقتصاد؛ ترجمه حسن فشارکی؛ نشر شیرازه، ۱۳۷۷.
- ۳- ابن ابی بکر؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم.
- ۴- ابن اثیر، کامل؛ تاریخ الکامل؛ بیروت.
- ۵- ابن خلدون؛ مقدمه؛ بیروت؛ دارالاحیاء، بی تا
- ۶- ابی القاسم بن حوقل؛ المسالک و الممالک؛ جلد دوم.
- ۷- احمد بن عمر؛ ابن رستد؛ کتاب الاعلاق.
- ۸- اشپولر، برتولد؛ تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی؛ ترجمه جواد فلاطوری؛ انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
- ۹- الصالح صبحی؛ نهج البلاغه؛ الجزایر، تلمسان، ۱۹۷۵.
- ۱۰- امامی، حسام الدین؛ رویدادهای مهم تاریخی؛ انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲.
- ۱۱- باریر، جی؛ اقتصاد ایران؛ ترجمه مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳.
- ۱۲- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم؛ سیاست و اقتصاد در عصر صفوی؛ انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۵۷.
- ۱۳- پیرنیا، حسن و عباس اقبال؛ تاریخ ایران؛ انتشارات خیام، بی تا.
- ۱۴- تویی بی، آرنولد؛ تاریخ تمدن؛ ترجمه یعقوب آژند؛ انتشارات مولی، ۱۳۶۲.
- ۱۵- خوارزم، ابی المؤید؛ مقتل الحسین؛ منشورات المفید، جلد ۱.
- ۱۶- دادگر، یدا...؛ اقتصاد بخش عمومی؛ انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۰.
- ۱۷- دادگر، یدا...؛ دولت رفاه متناسب با اقتصاد ایران؛ مجموعه مقالات سمینار بررسی ابعاد اقتصادی قانون اساسی؛ مؤسسه دین و اقتصاد، اردیبهشت ۱۳۸۱.
- ۱۸- دادگر، یدا...؛ «گزارش تحلیلی از پیوند دین و اقتصاد»؛ مجموعه مقالات نشست تخصصی؛ انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،
- ۱۸- دادگر یدا...؛ «مروری بر ادبیات نقش دولت در اقتصاد»؛ نشریه فرهنگ و اندیشه؛ شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۱
- ۱۹- دنت، دانیل؛ مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام؛ ترجمه محمدعلی موحد؛ انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۸.
- ۲۰- دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن؛ ترجمه احمد آرام؛ انتشارات انقلاب اسلامی، جلد ۱.
- ۲۱- سالنامه‌های آماری کشور؛ سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷.

- ۲۲- شاردن؛ سفرنامه؛ ترجمه محمد عباسی.
- ۲۳- صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ۲۴- طبری، محمدبن جریر؛ تاریخ الامم و الملوک؛ قاهره: مطبعه الانتقامه، جلد ۱.
- ۲۵- قانون برنامه دوم؛ سازمان برنامه و بودجه.
- ۲۶- قوانین بودجه سالانه کشور؛ سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷.
- ۲۷- گزارش مشاوران اقتصادی از عملکرد برنامه دوم؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.
- ۲۸- گزارشهای دفتر کلان سازمان برنامه و بودجه؛ سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵.
- ۲۹- گزیده‌های آماری مرکز آمار ایران؛ شماره‌های ۱ تا ۱۰.
- ۳۰- لایحه برنامه سوم توسعه؛ سازمان برنامه و بودجه، شهریور ۱۳۷۸.
- ۳۱- لمتون آن کاترین، سواين فورد؛ نظریه دولت در ایران؛ ترجمه چنگیز پهلوان؛ نشر گیو، ۱۳۷۹.
- ۳۲- لوکاس، هنری؛ تاریخ تمدن؛ ترجمه عبدالحسین آذرنگ؛ انتشارات کیهان، چاپ سوم، جلد اول، ۱۳۷۲.
- ۳۳- مورگان، دیوید؛ ایران در قرون وسطی؛ ترجمه عباس مخبر؛ طرح نو، ۱۳۷۳.
- ۳۴- مینورسکی؛ سازمان اداری دوره صفویه؛ ترجمه مسعود رجب نیا؛ ۱۳۲۴.
- ۳۵- نشریات اداره بررسی‌های اقتصادی؛ بانک مرکزی، ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵.

ب - انگلیسی

- 1- Amuzegar, J; *Irans Economic Planning; Midle East Economic Papers; Beirut; 1958.*
- 2-Banani, Amin; *Modernization of Iran; Standford; California; 1961; pp. 137-41.*
- 3- Benny Braun; *The Rich get Richer; Chicags; Nelson Hall; 1997.*
- 4-Donald, N.Wilber; *Iran, Past and Present; Princton University press; Sixth ed; 1967; p. 22.*
- 5- Dhalla. M.N; *Zoroastrian Civilization; New Yourk; 1922.*
- 6-Huart, Clement; *Ancient Persian and Iranian Civilization; New york; 1927.*
- 7- *Iran's 5t Plan; Kayhan Research Associate; Without Date.*
- 8- Issawi Charles; *Opcit; 1971; pp.268-291.*
- 9- Lewis, B. ;*The Assassins; London; 1979.*
- 10- Sir John, Malcolm ; *History of Persia ; London; Vol.II.*
- 11- Sir, P. Sikes; *History of Persian; London; 1921; Vol.1; 1921.*